

باشد بهر خواهش آنها جواب رد خواهد داد (۱) حتی به بهترین دوست خود که امپراطور روس باشد .

بنابر این من با نظر اورسل (۲) فرانسوی موافق نیستم که می نویسد : شاه ایران فرمانفرمای یکی از ایالات روسیه می باشد پادشاه حقیقی ایران شاه نیست که در ارک طهران زندگی می کند بلکه آن مرد سیاستمداری است که در حوالی ارک نزدیک بازار منزل دارد یعنی وزیر مختار روس . -

همچنین بانظر هموطن خود نیز که دکتر ویلز باشد همراه نیستم این شخص نیز که مدتها در ایران بود کتابی نوشته موسوم به « در مملکت شیرو خورشید » (۳) در آنجا می نویسد : « سیاست انگلستان در ایران از بی حالی خود ما بدرجه صفر رسیده است فقط عنده از انگلیسها در ایران هستند که می توان آنها را انگلیس حسابی گفت انگلستان برای ایرانی چیزی بشمار نمی رود اما روس را مقتدر می داند و دولتی است که از آن حساب می برند و می ترسند .

اتباع روس حمایت می شود ولی اتباع انگلیس باید خودشان خود را حفظ

[1] The Life of Lord Curzon . By Earl of Ronaldshay . 2 Vols .

P . 154 . 1 .

در تاریخ زندگانی لرد کرزن که بعد از وفات او رل آف رولندشای در سه جلد در سال ۱۹۲۸ جلیع رسانید می نویسد : وقتی که در سال ۱۸۹۶ کرزن بمعاونت وزارت هندوستان مین گردید لرد سالزبوری صدراعظم انگلستان مانع شد از اینکه لرد کرزن از شاه ایران در کتاب خود تفقید و بد گوئی کند او را مجبور کردند راجع به شاه نظریات خود را تغییر بدهد ، چون کرزن حالبه عضو دولت محسوب می شد این تقاضای صدر اعظم را قبول نمود . در این باب مراسلاتی بین کرزن و سالزبوری رد و بدل شد که در جلد اول کتاب من ۱۵۴ با آنها اشاره شده است و کرزن مجبور شد آن مطالبی که بقول خودش صحیح و مطابق واقع بوده آنها را تغییر بدهد .

(۲) اورسل Orsolle فرانسوی کتابی راجع بایران دارد موسوم به قفقاز و ایران و

این مطلب را در صفحه ۳۳۳ کتاب خود ذکر می کند .

[3] Dr . Wills : In The Land of Lion and Sun P . 175 — 182 .

کنند صاحب منصبان روس و خود روسها نفوذ دارند در صورتیکه نفوذ انگلیسها از بین رفته تجارت آنها قابل اهمیت نیست تقریباً می توان گفت قابل استهزاء است .  
 در این جادردنبال مطالب فوق مؤلف علاوه می کند : « قطع نظر از اوضاع فعلی و مقامی که انگلستان و انگلیسها در ایران دارند و روابطی که بین ایران و انگلستان است که از زمان فتحعلی شاه شروع می شود در این مدت کارهای دوستانه زیادی این روابط را محکم نموده است .

مثلاً در سال ۱۲۸۹-۱۸۷۲ انگلستان مبلغ زیادی برای قحط زدگان ایران اعانه داده است .

مقامیکه انگلستان در جنوب ایران احراز نموده است طوری است که می تواند نفوذ خود را برای تفوق خود در مرکز و نواحی جنوبی ایران با امیدواری برای همیشه برقرار کند .

قوای بحری آن در مدیترانه در جزیره قبرس در کانال سویس در بمبئی و کراچی و تفوق آن مخصوصاً در خلیج فارس که بدون مدعی است تمام اینها مقدمات و وسائل تفوق است تجارت انگلستان که در تمام سواحل جنوبی از گواتر گرفته برود تا محمره و داخله ایران تا اصفهان اینها نیز وثایق ذیقیمتی در درجه دوم محسوب می شود .

بالتر از تمام اینها احساسات سکنه جنوبی ایران است که از بلوچها در شرق تا بختیاریها و لرها در غرب برای حفظ خود و آزادی خود بطرف انگلستان متمایل هستند و از دولت انگلیس انتظار دارند آنها را محافظت کنند من می توانم شواهد زیاد که خود من آنها را جمع آوری نموده ام ارائه دهم در صورتیکه ایران استیلائی جا برانه خود را بزور در آن نواحی برقرار نموده است یا این حال عرایض زیادی از قبائل بلوچ بقونسو نگری بوشهر رسیده است و هر روز می رسد .

هیچ مسافری نیست که از نواحی کرمان - لارستان و فارس عبور کرده باشد و بین تقاضاهای آنها برخورد نکرده باشد .  
 در طرف غربی ایران رؤساء بختیاری که از طرف حکومت ایران یا آنها

بدرفتاری می‌شود و اسباب زحمت برای آنها فراهم می‌گردد و یا شیوخ عرب که هیچ وقت اطاعت آنها بشهریار ایران از دایرهٔ زبان تجاوز نکرده‌است تمام بطرف دولت انگلستان نگران هستند و دفاع از ملیت و آزادی خودشان را از انگلستان انتظار دارند. هرگاه سکنهٔ خراسان برای پیش آمدن روسها اظهار رضایت نموده‌اند در نواحی جنوبی ایران از روی میل و آرزو قبائل جنوبی بگوش انگلیسها گفته‌اند «بیائید و بما کمک کنید» علاوه بر اینکه مقام ما در نواحی جنوبی ایران محکم و قابل اطمینان است و کسی نیست که معارض ما باشد من قطعاً اطمینان حاصل نموده‌ام هرگاه روسها جرئت نموده بطرف جنوب بیایند دوچار زحمت خواهند شد. (ص ۴۲۴)»

پس از آنکه مقداری از سیاست انگلیس در ایران صحبت می‌کند و از اعضاء سفارت انگلیس اینکه از لندن انتخاب بشوند یا اینکه از هندوستان مأمور باشند بحث می‌کند بعد تاریخ گذشته را شرح داده اوقاتیکه سفارت انگلیس در طهران مطیع فرمانفرمای هندوستان بوده و زمانیکه از وزارت امور خارجه لندن مأمورین انتخاب شده بطهران می‌آمدند و بین آنها تولید اختلاف می‌شد از اینکه انگلیس در طهران تحت اوامر هندوستان باشد و یا لندن.

این تاریخچه را مؤلف شرح می‌دهد و اظهار عقیده می‌کند به ملاحظه اینکه مسئله ایران یکی از مسائل کلی قضایای شرقی را تشکیل می‌دهد صلاح دولت انگلیس در این است که سفارت انگلیس در ایران در تحت اوامر وزارت امور خارجه لندن قرار بگیرد.

در دنبال این مطالب مؤلف موضوع خود ایران را مطرح نموده گوید: «حال از این موضوعات و موضوع رقابت و سیاست انگلیس و روس در ایران می‌گذریم داخل در بحث اوضاع و احوال خود ایران می‌شوم و راجع بآئیه آن صحبت می‌کنم این بحث من در نتیجه مشاهده آثار و علائم فعلی است بعلاوه درسهایی که از گذشته آموخته‌ایم آن عبارت از شناختن اخلاق و سرشت خود ایرانی است که نسبت به آنها آشنا شدیم».

آنچه که در حال من در این مسائل راجع بایران نوشته‌ام تمام آنها از روی اطلاعات

صحيح و بيان حقيقت بوده و از اظهار آنها هرگز قصد نداشته‌ام که خوانندگان خود را راجع بايران گمراه کنم .

هر کسیکه ابرائرا امروز يك مملکت برومند و در حال رشد و ترقی می‌داند و آنرا در يك چنین حالی معرفی می‌کند يك چنین شخص یا دوست غیر صمیمی ایران است و یا اینکه علاقه به انگلستان ندارد ممکن است انتظارات را تشویق نمود و مقاصد را با تشخیصات غلط معرفی کرد اما ضرر این متوجه هر دو طرف خواهد گردید . ایران امروز نه دارای قوت و قدرت است و نه دارای وسایل برای ترقیات و نه هم خود را بوطن پرستی معرفی نموده است .

فلاحت آن بسیار بد، منابع ثروت آن غیر مکشوف، تجارت آن فلج، حکومت آن فاسد، قشون آن هیچ و موانعی که برای اصلاحات یا برای ترقیات مادی است خیلی زیاد ، در این شکی نیست که به مرور ایام اوضاع و احوال طبیعی آن مملکت تغییر نموده است خرابی عمدی جنگلها که از روی بی‌عقلی است ، هدر رفتن آبهای زراعتی حاصلخیزی زمین را از بین برده است ، باران در تمام مملکت ایران کمتر شده و در زمانهای پیش بارندگی خیلی زیادتر از حالا بوده است علامت و آثار زوال بطوره مؤثری در همه جا هویدا است ، مسافری که عبور می‌کند در همه جا مشاهده می‌کند شهرها و آبادیها رو بوبرائی می‌رود .

بازارها متروک شده دیوارها و برجها و منارها رو به خرابی است باغها از بین رفته زمینها بایر افتاده است کاروانسراها ویران شده پلها شکسته و فرو ریخته است و تیکه انسان تمام اینها را مشاهده می‌کند ناچار باید این طور فکر کند که شهادت از این ملت دوری چسبیده اخلاق و روحیات آن فاسد شده است و بدبختی به مملکت رو آورده است مثل این است که فرمان قضا و قدر برای خرابی این مملکت صادر شده است .

با اینکه ایرانی باجداد خود فخر می‌کند و آنچه که ارث برده بر آن می‌بالد و خود را يك ملت کهنسال می‌شمارد ولی از طرف دیگر به طور یأس آوری فاقد روح و وطن پرستی شده است .

مکرر شنیده می‌شود که ایرانیها از گذشته خود افتخار دارند و بآن فخر می‌کنند و از مناظر زیبای وطن خود تعریف می‌کنند اما در میان آنها از صد نفر یک نفر نیست در موقع خود دست بشمشیر کرده از وطن خود دفاع کند. (ص ۶۲۸)

در هر قسمتی از روحیات ملی ایران یا عملیات آن دیده می‌شود که تمام اعضاء آن در اثر يك ناخوشی مزمن فلج شده سر تا پای آنرا از کار انداخته است. در صورتیکه با يك مهارت سیاسی یا با نمایش مختصر قوه نظامی ممکن بود تراکمه ها و راء بحر خزر را ساکت و آرام کنند (۱) و مانع شوند از اینکه شکار قشونهای روس گردند.

هر دولتی که کمتر از دولت ایران فاسد یا بیعلاقه بود می‌توانست از کردها در شمال غربی و از بختیاریهها و لرها در جنوب غربی قشونهای ساختاری معتبری تشکیل بدهد. (۲)

امروزه اینها از حکومت مرکزی متنفرند در موقع مخصوص هم که بآنها احتیاج باشد برای هیچ کاری مفید نیستند بطور کلی می‌توان گفت قوه ابتکار را در کارهای عمومی و در کارهای خصوصی فاقد هستند. غالباً دیده شده يك برزگر عوض اینکه چند قدم پیش رفته از سر چشمه آب نوشیدنی بردارد در جائیکه نشسته از آب کثیف تشنگی خود را تسکین می‌دهد و بدین وسیله بانواع ناخوشی مسری و مزمن گرفتار می‌شود همینطور هم دولت ایران زحمتی منجمل نمی‌شود جدی‌ترین نشان نمیدهد که مملکت را از معایب و مفاسدیکه دارد نجات بدهد.

اشخاص منعمول و یا از طبقه اعیان خانه مجلل باشکوهی از خشت و گل بنامی‌کنند در صورتیکه معادن سنگ و سنگ مرمر در دسترس او واقع است.

(۱) لرد معظم مندرجات دو جلد کتاب استویک را که در سال ۱۸۶۴ در لندن به طبع رسیده است گویا در این موقع فراموش نموده است در صورتیکه در این دو جلد کتاب خود قریب سی بار بندو جلد فوق‌الذکر اشاره نموده است عیبی که بسیاریون میتوان وارد آورده‌مان فراموش کاری آنهاست که تمام سوانح را بنفع خودشان از یاد خودی و بیگانه می‌برند.

(۲) ایللیس کی گذاشت که ما بندگی کنیم.

دولت ایران اگر به حال خود گذاشته شود اثاث الیبت مندرس شرقی را بالآلات و اسباب زندگانی اروپائی که نتیجه ذوق و سلیقه تمدن غربی است ترجیح می دهد استفاده مادی آرزوی قلبی هر مستخدم یا کارمند دولت می باشد از بزرگترین شخص دولت تامنشی دفتر دنبال مداخل شخصی می باشند هر گاه از او سؤال شود در دنیا چه آرزویی دارد نابر آورده شود بدون درنگ جواب خواهد داد «مداخل» و این کلمه ورد زبان هر کسی است و در هر موقع .

ایران باین حقیقت آگاه است که ضعیف و فاقد قدرت و اقتدار است با این حال این ضعف ملی را ترجیح می دهد و آرزو مند است که آنرا در این حال باقی گذارند در این تردیدی نیست که خود ایران نیز دنبال تجدید و عظمت نیست طوری که امروز مملکت ژاپون در این خیال است که دارای اقتدارات مادی و معنوی گردد هر گاه بخواهند لباس تمدن را بقامت ایرانی ببوشانند حکم آنرا دارد که یک نفر را در مقابل دیوان تفتیش مذهبی اسپانیول برای زجر و شکنجه و اذار کنند حال این شخص چگونه خواهد بود حال ایرانی نیز در لباس تمدن چنین جلوه خواهد نمود (۱) من اینرا نیز یقین دارم که نجات آن بدون يك غوغائی که ناشی از جهالت و تعصب است صورت نخواهد گرفت هر گاه

(۱) من اینها را در این جا نقل می کنم تا هموطنان من آن مصائب و محنی که در تمام مدت قرن نوزدهم میلادی ایران و ایرانی در نتیجه سیاست خارجی یا ادعای منافع سیاسی در این مملکت گرفتار آنها گردیده بخاطر آورند و علل ضعف و بدبختی خود را بدانند و بازیگران حقیقی صحنه سیاست ایران را بشناسند و تحقیق کنند چه شد و در اثر چه پیش آمدهائی بود که ایران گرفتار اینهمه ضعف ملی گردید هر گاه رجال ایران را بحال خود می گذاشتند و با دسائس اجانب در کار محو و زوال آنها نمی کوشیدند و صد سال تمام ملت را برای منافع سیاسی خود دروادی ضلالت معطل نمی کردند هرگز این فرصت بدست لرد معظم نمی افتاد که چنین عباراتی را درباره يك ملتی که امشحاتات بس درخشانی در ادوار زندگانی ملی خود داده است بکار ببرد دنیای اروپا را مگر غیر از رجال آن باین درجه تمدن رسانیده است ؟

اگر حاجی میرزا ابراهیم شیرازی - میرزا ابوالقاسم قائم مقام - میرزا تقیخان امیرکبیر در نتیجه تحریکات و دسائس اجانب بقتل نمی رسیدند و روزگار ایرانی که باین درجه ذلت و بسنی نرسیده بود ، عیب کار اینجامست که ما از گذشته بی خبر هستیم .

در عمل اصلاح احتیاط لازم ملحوظ نشود ممکن است بدتر شود .

مثل مملکت امروزه ژاپون در آنجا يك هيئتى وجود دارد كه اعضا آن مركب از جوانهای امروزی می باشند از قدام در آن عضویت ندارند با این حال اشخاصی هم هستند كه مخالف اروپائی شدن ژاپون هستند گاهی هم می شود كه به غوغاهای بزرگی منجر می شود كه اسباب بأس است این است كه من می توانم یقین داشته باشم در ایران نیز در هر موقع از مواقع اغتشاشات عمومی كه ممكن است در نتیجه اقدام با اصلاحات روی بدهد و يك ارتجاع قوی بوسیله دستمهای كپنه پرست و روحانی پیدا شده مال و جان اروپائیا را موقتاً بخطر اندازد .

امروزه يك چنین احساساتی بواسطه دادن امتیاز بخارجه در ایران پیدا شده است و مردم بطور کلی از دادن این امتیازات بخارجه ناراضی هستند مثل اینکه در نتیجه امتیاز تنباكو يك چنین هیجاناتی تولید گردید هر گاه يك دولت مقتدری وجود داشت این اغتشاش سهولت رفع می گردد .

علمای مذهبی علناً بر علیه اروپائیا صحبت نموده اند و در كوچه و بازار بر آنها لعنت فرستاده اند مراسلات بی امضاء به همه جای مملكت فرستاده مردم را به عدم اطاعت دعوت کرده اند معروف است كه خود شاهرا نیز تهدید نموده اند شاه هم بعد از مستحقین درباری افزوده است این اخبار ممكن است اغراق آمیز باشند اما اگر صحبت داشته باشد ممكن است در نتیجه تحریكات مخصوصی باشد (ص ۶۲۹).

بهر حال اینها هستند موانعی كه در مقابل اصلاحات در ایران وجود دارد از طرف دیگر وسائلی كه برای اصلاحات اساسی موجود می باشند بیشتر و زیادتر است و از این جهت اسباب تشویق و امیدواری است و هر گاه در این وسائل اصلاحات اندك تحقیقاتی بعمل آید دیده خواهد شد كه به مراتب بر موانع رجحان دارند .

در نظر اول كه ایران این اندازه بایر و غیر آباد بنظر می آید چنین نیست زمین آن بسیار مرغوب و حاصلخیز است و از حیث استعداد بهترین اراضی دنیا است حاصلخیزی آن در قدیم معروف بوده و دلیل آن نیز فراوانی آب بوده است امروزه هم بواسطه آب

آن را می‌توان به‌حاصلخیزی قدیم سوق داد ما می‌دانیم که هیچ تغییرات جوی در ایران پیش نیامده است که زمینهای حاصلخیز آنرا تغییر بدهد و آن سبزی و خرمی را بدل به بیابان بی‌آب و علف گرداند (۱) در مدت پنجاه سال به واسطه مواظبت صحیح از آبهای ایران و سرچشمه‌های آن با اسباب و وسایل زراعت امروزی زمین‌های کشت و زرع ایران را می‌توان دو برابر زمین‌های آباد امروزی نمود .

راجع بدفاع مملکت : امروزه سرحدات ایران بدون قوه دفاعیه است برای اینکه قشونی ندارد از آنها دفاع کند با این حال مملکت ایران کوهپایی را داراست که بهترین سنگرهای دفاع بشمار می‌روند مثل این است که خداوند آنها را برای حفظ مملکت ایران آفریده است .

باز هم باینکه روح ملی در ایران مرده است و ایرانی با این حال فعلی خود راضی و خوشحال است و مردان آن بزدل و ترسو بشمار رفته‌اند شکی نیست که با داشتن يك چنین دولتی که عرصه را بهر اقدام صحیح و مفید سد نموده و هر نوع استقلال فکری و عملی را جلوگیری کرده است نتیجه آن جز این اوضاع فعلی نخواهد بود ولی با تمام این موانع هنوز هم ددسرشت ایرانی آن روح غیر قابل تسخیر وجود دارد و يك روح خسته ناپذیر و بردباری را داراست که توانسته است این ملت را که بفراسه شرق معروف شده است در مدت دوهزار سال در مقابل خطرناکترین حمله‌های اقوام وحشی مقاومت کند و تا امروز ملت خود را محفوظ دارد و آنرا قادر کند که فاتحین مملکت خود را که بتجدد محو و زوال آن بوده‌اند به مرور مغلوب نموده آنها را ازین ببرد ملت ایران دارای يك چنین روحی است که با وجود این همه ضعف و ناتوانی باز بقدر کافی توانا بوده وحدت ملی خود را نگاه داشته و آنرا حفظ کند که هیچ ملتی در دنیا بداشتن يك

(۱) کتاب جنرال سایکس معروف که موسوم به (ده هزار میل مسافت در ایران)

نوشته است در سال ۱۹۵۹ پنجم رسیده در آن دیده شد راجع به بلوچستان و از آبهای آن چه قدر تعریف نموده و جقدر زیاد است ولی می‌گوید تمام این آبها بهدر می‌رود و کسی از آنها استفاده نمی‌کند در صورتیکه در ایران معروف است که بلوچستان کم آب است و اراضی آن کم بزرع است تاریخ ابرو الفضل بیهتی معرف آبادی بلوچستان است مطالعه شود .

همچو روح ملی نمی‌تواند ادعا کند که ملت ایران داراست .  
 باحال فلاکتی که دهقان ایرانی داراست با این حال گدانیست خود را فقیری بضاعت  
 نمی‌داند با اینکه ملت ایران در حال فرسودگی و زوال است با صفات مردی و مردانگی  
 خود را از دست نداده است .

ناتوان برای دوستی - مهم و قابل ملاحظه در حال دشمنی - این روحیه و ذاتی  
 حالت ملت ایران است با اینکه اساس دولت آن پوسیده است ولی نمی‌توان آنرا خوار  
 و ذلیل دانست .

امروزه قوای جنگی آن طرف توجه نیست چونکه قابل ملاحظه نمی‌باشد اما نمیتوان  
 از آن غفلت کرد و آنرا خوار و ذلیل شمرد این را هم باید در نظر گرفت که مسلك  
 شرقی مطابق مسلك ما نیست حتی فکر آنها هم غیر از افکار ما است بسا اوقات که  
 ما آنها را غیر متجدد و فاقد روح جدیت می‌دانیم آنها هم ما را ناسازگار و درد سر دهنده  
 می‌دانند دستگاه عمل آنها حرکت خیلی آرام و ملایم دارد آنها هرگز برای عجله  
 و شتاب حاضر نیستند به فشار و صدای دستگاه چندان اعتنائی ندارند اصول زندگانی  
 ما ممکن است به حال ما مفید و خوب باشد اما برای آنها نه خوب باشد و نه مناسب .  
 شیطان ترجیح داده است که در جهنم پادشاهی کند ولی در بهشت خداوند بخدمت و  
 طاعت مشغول نگردد سکنه عادی آسیا نیز راضی می‌شود آسیائی بر آنها حکمرانی  
 بدی داشته باشد ولی اروپائی حکومت خوب بر آن نداشته باشد ایرانیها يك ملت  
 بدگمان و دارای سوء ظن هستند از آنجائیکه خودشان بطور حیرت آوری صفت  
 وطن پرستی ندارند به همین دلیل است که منافع عمومی را با منافع خصوصی درمورد  
 دیگران اشتباه می‌کنند و این طور تصور می‌کنند که سم شکافدار از زیر قبای هر کس  
 نمودار است .

اساس امپراطوری روم در يك روز گذاشته نشده است همین طور هم اصلاحات  
 در مدت ده سال درست نمی‌شود هرگاه طبیب صبر و حوصله داشته باشد و تحمل رنج و  
 زحمت قبول بکند ممکن است مریض قابل معالجه باشد مشروط بر اینکه طبیب مجرب  
 شمال نسخه‌های او را پاره نکند .

بعلاوه نظر نیک بینی دیگری دارم آن عبارت از اصلاحاتی است که تا حال انجام گرفته است در فصل‌های مقدم اشاره کرده روشن نموده‌ام آن وسائلیکه در اول سلطنت ناصرالدین شاه به نظر مشکل و تاریک می نمود و اشخاصی مطلع و بصیر نسبت بآئیه آنها نگران بودند حال نوشته‌های من ثابت نموده است چه قدر آن اشخاص در اشتباه بودند و بطلان پیش بینی آنها چگونه ظاهر شده است در صورتیکه در این نیمه قرن ترقیات محسوس ظاهر شده است هم از حیث امنیت عمومی و هم از حیث برقراری اقتدار سلطنت و مقدراری اصلاحات دیگر روی داده است در واقع می توان گفت ایران داخل در مرحله جدیدی شده است .

خوب است حال توجه بشود بترقیات سریعی که فعلا صورت گرفته است . احداث تلگراف - تأسیس پست - افتتاح بانکهای اروپائی - مختصر راه آهن که مقدمه است - بکار افتادن سرمایه‌های اروپائی در این مملکت و استفاده از منابع ثروت محلی ، اینها ترقیاتی است که پیش آمده است خود ایرانیها مردمان باهوشی هستند می دانند که همیشه نمی توان متوقف بود .

در میان اولیای امور آن، مردمان فهیم و با استعداد زیاد است آنها از وضع فعلی راضی نمی باشند و با احتیاجات مملکت آشنا هستند در ضمن مسافرتهای خود با بسیاری از رجال سیاسی ایران ملاقات نمودم و با آنها صحبت داشتم و در میان آنها اشخاص زیادی سراغ دارم که حقیقتاً مایل بترقی ایران می باشند منتها بواسطه عدم قدرت و توانائی از انجام مقصود عاجزند چونکه خرابی و فساد طوری ملت ایران را گریبانگیر کرده است که بمردان فوق العاده قوی و صاحب اراده محتاج هستند که این قیدهای فساد را از گردن آنها بردارد .

شاه فعلی (ناصرالدین شاه) بیش از هر کس بعد از کریمخان زند در این راه کوشیده است هر گاه بیش از این جرئت میداشت بیشتر موفقیت پیدا می نمود . بدبختانه این نیز یکتا خیال ناراحتی برای ما تولید نموده است که در زمان جانشین او اوضاع ایران چگونه خواهد بود .

ما نسبت به سیاست آتیه‌او کلاماً بی‌اطلاعیم آیا با اصلاحات این شاه - شاه آینده موافق خواهد بود یا نه ؟

در هر حال شك یا ترس ما در این باب هر چه باشد یقین دارم نمی‌توان کاری کرد و مفید نخواهد بود. خواه نسبت به ناراضیهای سیاسی مساعد خواهد بود خواه بادیسیه کلران موافقت خواهد کرد و آنها را تشویق خواهد نمود فعلاً بحث در آنها نتیجه نخواهد داد .

اغلب نویسندگان این نظر را دارند که پس از مرگ ناصر الدین شاه اغتشاشاتی در ایران تولید خواهد گردید این هم برای این خواهد بود که تاج و تخت را بدست آورند .

حتی این اندازه‌ها هم بحث شده است که چه کسی از چه دسته مساعدت خواهد دید بکدام دسته از طرف روسها موافقت خواهد شد و چه کسی از طرف انگلیسها نامزد می‌شود البته هر تشویقی که از مدعیان بشود یا از مقررات جاری وراثت تاج و تخت چشم ببوشند تصور می‌رود مورد اعتراض واقع شود مثل این است که مملکت را بطرف اغتشاش سوق دهند و وسیله بدست کسانی که خیال تجاوز و تعدی دارند داده شود هر گاه مسلم شود که روس - انگلیس دو همسایه مقتدر ایران تصمیم گرفته‌اند متحد شده از وارث حقیقی تاج و تخت حمایت کنند و او اینک که شاه فردا وفات کند در این هیچ تردیدی نیست که تاج و تخت و مملکت هر دو از خطر رهائی یافته است .

حال اگر از اخلاق و صفات عمومی گذشته داخل در احوال و اخلاق خصوصی مردم ایران بشویم و بخواهیم از عادات و رفتار آنها که در زندگی هر روزی مشاهده می‌شود نتیجه بگیریم ناچار پس از سنجش آنها باین جا منتهی خواهد شد که بیشتر می‌توان امیدواری حاصل نمود تا یأس و ناامیدی.

سرشت ایرانی تا حال صورت‌های مختلف نشان داده است در نقاط دیگر کمتر این صفات دیده شده است ایرانیها بک ملت محبوب و نژاد مؤدب هستند رفتار و برخورد آنها مانند رفتار و برخورد مردمان متعدن و شریف است آنها دل زنده و بارو حند در

صحبت و مکالمه زيرک هستند و در رفتار خود دقيق هستند در قلب آنها خنده نيست ذاتاً مهربان هستند و عقیده دارم که چنين است در فکر هم ضعيف نمی باشند .  
از طرف ديگر رباکار کاعل هستند بسيار فاسدند متأسفانه جرأت و استقامت را هم فاقدند .

اينها هيچ شباهتی در اخلاق و صفات به مللی که آنها را احاطه نموده است ندارند هرگز مانند کردهای ظالم و خونخوار - افغانهای عبوس و پيرکينه - ترکهای مغرور و خود خواه - هندیهای مست و لاابالی نيستند هيچ شباهتی با آنها ندارند خوی و مرشت و اخلاق هيچ يك از اينها را دارا نيستند .

احوال طبيعي مملکت ايران و داشتن مذهب جداگانه در اينها يك اختلاف نژادی مخصوص بوجود آورده است که بخوبی روشن و مشخص است فرد ایرانی صفات و اخلاق و رفتار بسيار ممتاز دارد ولی بطور جمع از صفات نيك و بزرگی تاحدی عاری هستند فقط بايك صفت می توان آنها را متصف دانست آن دروغگوئیست اگرچه از نقطه نظر محققين طبایع بشری اين صفت در ترداً آنها در طبيعت انسان يك نوح صنعت ظريف بشمار رفته اما در نظر علمای اخلاق پسندیده نيست (۱)

بر من يقين حاصل است که ایرانی صحيح الاصل بدروغ گفتن بيشتري متمایل است تا به راست گفتن هر گاه اتفاقاً يك حرف راستی غفلتاً از زبان او خارج شده است احساسات او برای مدتی او را سرزنش کرده معذب خواهد داشت ولی با تمام اين

(۱) من در اینجا داخل دفاع نمی شوم ولی خواننده را به دو نفر از نوپسندہ های انگليس مراجعه می دهم اولی اوسيرا دومی ميکاب از مطالعه اين دو جلد کتاب صفات ملت انگليس آشنا می شويد خود انگليسا در داشتن صفات ... سرآمدند .

[A] Napoleon in Exile . By B . E . O . Meara . 2 Vols . London .

1822 .

[B] A Century of Stupendous Progress — 1825 — 1925 — By J . McCabe . London 1925 .

اين کتاب ما در کتابخانه مجلس شوراي ملی است از مطالعه آنها ملت انگليس را خواهيد شناخت .

احوال ایرانی‌ها مرزوهان پسندیده هستند در صحبت و معاشرت مردمان حساسی بشمار می‌روند.

اینک بعد از این معرفی مرکب از (زشت و زیبا) که از ایرانی‌ها به عمل آمد خیلی مشکل بنظر می‌آید که بتوان یک پیشگوئی صحیحی درباره آنها اظهار نمود. بهر حال سه صفت دیگر از سرشت ایرانی باقی است که بحث شود بعقیده من احوال روحیه این ملت بطور صحیح و با دقت مطالعه نشده است آنها نه مانند ترکها در ضلالتند و نه مانند تاتارها محکوم بزوال. برای ایرانیها همه نوع وسائل نجات فراهم است این‌ها دارای روح زنده هستند نمی‌شود خفه نمود و دارای روح تقلید فوق العاده هستند که از ابتدای تاریخ بدین صفت ممتاز شده‌اند و دارای این استعداد هستند که بهر کاری گماشته شوند مفید واقع می‌شوند و از تعصبات بیجا و خود پسندی عاری هستند تاریخ نشان می‌دهد که این ملت باقی و جاویدان است و علائم امروزی حاکی است آنچه که دیگران از علم و دانش فرا گرفته‌اند بزودی ایرانیها از آنها کسب خواهند کرد.

در خانه ناچارم یک جمله را هم با احتیاط روی کاغذ بیاورم آن این است که تا حال پیشنهاد های عریض و طویل برای احیای سریع ایران طرح شده است بعقیده من مخالف با عقاید اغلب نویسندگان است این پیشنهاد ها بجائی نخواهد رسید و نتیجه از آنها نخواهد گرفت.

مثلا نقشه احداث راه آهن از شمال به جنوب و از مشرق به مغرب و یا ایجاد کارخانهها و غیره جز ضرر مالی فایده دیگر نخواهد داشت بلکه باعث خسارت مالی پیشنهاد کنندگان است گرفتن امتیازات برای وارد و صادر کردن امتعه داخلی و خارجی هم نفع دائمی ندارد از طرف دیگر تحصیل پول بسهولت ممکن است و ترقی صنعت و تجارت هم فقط از طریق عادی ممکن است انجام پذیر باشد بهمین نحو هم باید باموضوع حمل و نقل داخلی عملی نمود راههای کربواترو به مرور زمان تبدیل بر اه شده و راههای شسه به راه آهن تبدیل شود.

خرج چند صد لیره برای يك كلر معین بهتر خواهد بود تا اینکه هزارها لیره در يك موضوع بنظر افتد .

سرمایه که در ایران بکار میافتد باید صرف منابع ثروتی ایران بشود که بتوان از آن استفاده نمود .

هرگاه مقصود صرف گرفتن امتیاز یا انحصار مالی باشد که بدست خارجیها بیفتد اسباب حسادت شده نسبت بآن امتیاز یا انحصار سوء تعبیر خواهند کرد که بقصد تعدی و تجاوز آنها را بدست آورده اند .

این را هم نباید فراموش کرد و قیسه انسان درد نبال این نوع عایدات و منافع است باید در نظر داشته باشد که اساس کار قبلا درست شده دارای مزایای سهل و ساده می باشد که طرف توجه عمومی قرار گرفته و بنیان صحیحی برای کلیه آن گذاشته شده است .

من مکرر اشاره کرده ام که مردم ایران بی اندازه بد با آموخته اند تذکر داده ام که ایرانیها در يك محیط فوق العاده فاسد زندگانی می کنند به تمدن امروزی آشنا نخواهند شد مگر اینکه در مدرسه بآنها تعلیم صحیح داده شود .

احترام به قانون و توجه به مقررات قراردادها از جمله مسائلی است که باید به آنها آشنا باشد .

ایمان بندرستی و صداقت در میان آنها تولید نخواهد گردید مگر اینکه مؤسسات مخصوص در میان آنها ایجاد شود ، این دیگر کار زمان است که به مرور انجام گیرد . البته در موقع خود خواهد آمد و انجام خواهد گرفت .

با اینکه امروز ایران از مرحله عمل دور افتاده و از قافله تمدن عقب مانده و از حیث قوا ضعیف شد ، است با تمام این دوری و عقب ماندگی و عدم استعداد آن چنانکه من آنرا شرح داده ام امیدوارم مملکتی باشد که توجهات مخصوص ملت انگلیس را جلب کند و بادولت انگلیس دولت ایران اتحاد و دوستی نزدیک داشته باشد که در آبدی و ترقی ایران که متناسب با جلال و عظمت تاریخی آن باشد مساعدت کند . ملت انگلیس

این صلاحیت را داراست که برای مساعدت و همراهی در آبادی ایران يك قدمهای شرافتمندانه برای هدایت ملت ایران بردارد .

خاتمه جلد دوم

این بود قسمتهای مطالب مهم دو جلد کتاب لرد کورزن که در سال ۱۸۹۲ در باب ایران نوشته و در لندن بطبع رسید است .

# فصل هفتم

## لرد کرزن و ایران

کرزن دشمن ایران و ایرانی بود۔ از رجال متعدی و متجاوز به معالک دیگران بشمار می رفت۔ نظر روزنامه کوه دربارہ دولت و ملت انگلیس ( نقل از روزنامه چاپ برلن )۔ کرزن سیاست جہانگیری را تعقیب میکرد۔ از رجال معروف انگلستان بشمار می رفت۔ کرزن در تمام دورہ حیات خود دشمن سرسخت ایران بود۔ دو جلد کتاب کرزن راجع بایران شاهکار سیاسی او بود۔ علاقه کرزن بہندوستان۔ رفتار او در ہندوستان۔ حدود ہندوستان در نظر کرزن۔ مہامدہ ۱۹۱۹ انگلیس با ایران۔ کتاب تاریخ زندگانی کرزن۔ مختصر تاریخ زندگانی کرزن۔ کتاب کرزن در باب ترکستان روس۔ برای نوشتن کتاب های ایران کرزن ۳ سال تمام وقت صرف کرد۔ تا سال ۱۹۰۷ کرزن از سیاست روسها برای ہندوستان نگران بود۔ تاریخچہ نواحی پنج دہ را می نویسد۔ کرزن خود را بدشمنی دولت روس معرفی میکند۔ کرزن دولت انگلیس را تحریک میکرد جلو روسها را در آسیا نکیرد۔ از گلداسمید تمجید می کند چونکہ قسمتی از بلوچستان و قسمنی از سیستان را از ایران مجزا نمود۔ نظر کرزن با افغانستان۔ کرزن مہارن وزارت ہندوستان می شود۔ سفر دوم کرزن بدور ونیا۔ بعد از طی این مسافرت اظهار عقیدہ کرده

گفت مدام باید به توسعه امپراطوری انگلیس کوشید - افکار و عقاید کوزن در باب یونان - روم و یهود - از قدرت و نفوذ و عقل سلیم ملت انگلیس تعریف میکند - هندوستان را وسیله قدرت و عظمت انگلستان می داند - می گوید نمی دانید هندوستان چیست - کوزن از دولت روس برای افغانستان و از دولت فرانسه برای سیام نگرانی داشت - کوزن بکوههای افغانستان و پامیر مسافرت میکند - نامه کوزن با میر عبدالرحمن خان - کوزن در کابل - ملاقات کوزن با میر عبدالرحمن خان و پسرش امیر حبیب الله خان و لایحه افغانستان - کوزن گوید امیر میل زیاد داشت بلندین برود ولی برای انجام این کار موانع زیاد بود - کوزن بمعاونت وزارت امور خارجه انتخاب می شود - کوزن سیاست دولت انگلیس را باین عبارت بیان میکند : توسعه امپراطوری انگلیس - آثار بقاء کوچک شدن آن علائم زوال است - مسافرت کوزن با آلمان - کوزن از طرف نرد سائزبوری پیغامی برای امپراطور داشت ولی امپراطور او را نپذیرفت - علت آن - موضوع چین - کودش دولت انگلیس برای جلب آلمان - پیش نهاد دولت انگلیس با آلمان برای تقسیم ایران - تصاحب بندرهای چین از طرف روس - آلمان و انگلیس - نظریات تجاوز کارانه کوزن در چین - کوزن هفت سال فرمانفرمای هندوستان بود - استقلال ممالک آسیائی در نظر کوزن - استحکام تنگه خیر - موضوع مسقط - کویت - ترانسوال - اهمیت ایران - انگلیس و ترانسوال - موضوع ایران فراموش شد - وحشت کوزن از روسها - همیشه موضوع ایران کوزن را معذب می داشت - مسئله ایران را يك موضوع امپریالیزم بریطانیای کبیر می دانست - کوزن ۴ راه حل برای ایران پیش بینی میکند - مکاتبات کوزن با دولت انگلیس راجع بایران - خبر قرض ایران از روسها - این خبر برای کوزن مانند صاعقه بود - نقشه نزدیکی انگلیسها باروسها - مسئله افغانستان باروسها - شکایت امیر عبدالرحمن - نظر امیر نسبت به شیعهها - امیر آنها را بدترین جانوران خزندة روی زمین می نامد - مرگ عبدالرحمن خان و جلوس حبیب الله خان -

نامه کرزن با حبیب‌الله خان - نامه دوم کرزن با میر - امیر جواب نداد -  
روابط امیر با روسها - اختلاف با کرزن سر قضا یای افغانستان - دستور  
لندن بکرزن - جواب امیر حبیب‌الله - حبیب‌الله خان در تقسیم آب  
هرمند دولت انگلیس را به حکمیت قبول می‌کند - مسئله شرق وسطی  
از نظر دولت انگلیس - تفوق دولت انگلیس در خلیج فارس -  
کرزن شب و روز در فکر بود چگونه ایران تجزیه شود - اقدامات  
کرزن برای تصرف خلیج فارس - بیانات وزیر امور خارجه  
انگلیس در باب خلیج فارس - ترس انگلیس از روس که مبادا  
به خلیج فارس دست یابند - جهانگردی کرزن در خلیج فارس -  
علاءالدوله و کرزن در خلیج فارس - سرارتور هاردینگ

در میان سیاستمداران دولت انگلیس هیچ يك بقدر لرد کرزن دشمن ایران نبود  
کرزن نماینده پروپا قرص سیاستمداران ظالم و جابر و متعددی قرن نوزدهم انگلستان  
بود همیشه در دوره زندگانی خود می‌کوشید ایران را ذلیل و بیچاره کند .  
در قرن نوزدهم مانند دو قرن قبل یعنی قرن هیجدهم و قرن هفدهم رجال سیاسی  
متعددی زیادی در انگلستان بوجود آمد که دنیائی را هر يك بنوبت خود بخون و آهن  
کشیدند .

روزنامه نگاره می‌نویسد : « اینك هنگام آن است که عطف توجهی بسوی دولت  
انگلیس نموده شمه از تاریخ سیئات اعمال این ملت را که مدتها است در دنیا مشهور  
به غداری و خیانت کاری می‌باشد و بی‌باکانه گناه افروختن آتش این جنگ عالم سوز  
را بر سبیل جنایات دیگرش افزوده در مقابل نظر هموطنان خود نهیم تا دشمن  
جنوبی خود را بهتر بشناسد و از گرفتاری در دام زرق و مکروش بیش از پیش  
هراسان باشد .

اقليمی از اقالیم خمسه نیست که زهر بیداد دولت و ملت انگلیس را نچشیده  
باشد . از قرن دوازدهم هجری باین طرف مندرجاً بیشتر از خمس اراضی روی زمین

و ربع جمعیت کره مسکون در تحت تصرف دولت مزبور درآمده است. (۱)  
در جای دیگر گوید: داستان تعدیات و ظلم انگلیس در ایران و خصوصاً تجاوزات  
واضح آن دولت بر ایران هفتاد من کاغذ می خواهد (۲).

لرد کرزن نماینده یک عهد رجال سیاسی انگلستان بود که در قرن نوزدهم  
میلادی از اول قرن تا آخر آن سیاست جهانگیری را تعقیب می کردند بقایای این رجال  
با همان فکر جهانگیری تالیست و پنج سال از قرن بیستم گذشت، نیز با همان فکر  
و عقیده در انگلستان حکومت می کردند فقط جنگ جهانی اول افکار جهانیان را نسبت  
با انگلستان عوض کرد.

از این تاریخ به بعد روح رجال سیاسی انگلستان همان بود که بود فقط روال  
آن عوض شد طرح نوی ریختند در تحت عناوین دیگر به توسعه ارضی و نفوذ امپراطوری  
انگلستان افزودند.

رجالی مانند پالمستون - دیزرائیلی - گلاستون - سالزبوری - للیود جرج  
و گروه دیگر که در قرن نوزدهم در انگلستان بوجود آمد سیاستی را در پیش گرفتند که  
هیچ ملتی چه بزرگ و چه کوچک هیچ یک در چهار دیوار خود از دسایس آنها بمن  
نبودند من در جلد ششم سیاست جایزانه و ظالمانه و تعدیات آنها از راه خدعه - حیل -  
نیرنگ و تزویر اشاره خواهم نمود.

لرد کرزن یکی از آن رجالی است که در مکتب حضرات نامبرده تربیت شده  
است و میدان عملیات او بس وسیعتر بوده و میدان تاخت و تاز او قاره آسیا بوده است  
و تاحیات دانت (۱۹۱۵) (۳) نه تنها ملل آسیائی - ملل اروپا نیز از دام کید او  
آزین نبودند.

(۱) نقل از روزنامه کوره چاپ بران شماره ۱۳ سال ۱۹۱۶ صفحه ۱

(۲) ایضاً شماره ۲۶ روزنامه کوره صفحه ۱ سال - دوم تازه این گفتار در سال هزار و

نهد و شانزده و هجده بود از این تاریخ به بعد چه قدر به وسعت قلمرو امپراطوری انگلیس  
افزوده شده است.

(۳) کرزن در سال ۱۹۲۵ درگذشت.

دنیائی را خراب و ویران می‌خواست برای آبادی انگلستان . اوضاع جهانرا بر از قتنه و آشوب میخواست برای رفاه و آسایش سکنه جزایر بریطانی .

کرزن در تمام مدت حیات سیاسی خود دشمن و بد خواه سرسخت ایران بوده فنای ملت ایران را برای بقای ملت انگلیس می‌خواست اگر کسی رویه سیاسی او را نسبت بایران بداند حس خواهد کرد چه دشمن خطرناکی برای ایران بوده ، من درین فصل شمه ای از نظریات و اقدامات او را نسبت به ایران و ایرانیان شرح خواهم داد .

شاهکار کتب کرزن دو جلد کتاب اوست درباره ایران که در نتیجه مسافرت او بایران در سال ۱۸۸۹ بسال ۱۸۹۲ در لندن ازطبع خارج شد .

تمام دو جلد کتاب او در حدود یکهزار و سیصد صفحه است با حروف نسبتاً ریز و باورقی آنها برتر نوشته شده است و تمام مندرجات آن دو جلد را جمع بایران است . تا آن تاریخ کتاب باین جامعی از نظر تحقیق و تنقید و سیاست همچنین در مسائل اقتصادی و اجتماعی نوشته نشده است بعدها نیز تا امروز در زبان خارجی کسی پیدا نشد بنویسد مگر در رشته های دیگر .

باینکه اشخاص مطلع و بصیر خارجی در این مدت شصت سال که از عمر کتابهای کرزن می گذرد بایران آمده و مدنیا بوده و تحقیقات نموده اند باین حال هیچ يك از این همه اشخاص کتابهایی نظیر کتابهای کرزن بدینا نداده است .

لرد کرزن قریب سی و پنج سال پس از انتشار این کتابها در قید حیات بود و در دولت انگلستان به مقامات پس عالی رسید و همیشه در مسائل حیاتی انگلستان دخالت داشت مخصوصاً در سیاست آسیائی انگلستان دل مهمی داشت بازی میکرد .

کرزن علاقه مفراطی بامپراطوری هندوستان انگلیس داشت و برای بقای سلطه انگلیس بآن قاره اقدامات بسیار نموده است که در این فصل بطور خلاصه بآنها اشاره خواهد شد از آنجمله در نطق خود در سال ۱۹۰۳ در دوره فرمانفرمائی خود در هندوستان ایراد نموده جنودی برای سرحدات هندوستان قائل شده است یعنی يك چهار دیواری در اطراف هندوستان این حدود عبارت بود از دماغه امید در جنوب افریقا تا جبل الطارق

در شمال از جبل الطارق تا تانکینک در ساحل شرقی چین از تانکینک تا استرالیا تا دماغه امیداین حدود فرضی که بنظر کرزن در آن ایام که بعمل هم نزدیک بود حدود هندوستان انگلیس است (۱) .

کرزن برای همین مقصود بود که به تبت لشکر کشی کرد.

کرزن از سال ۱۸۹۹ تا سال ۱۹۰۵ فرمانفرمای با اقتدار هندوستان بود رفتار او در هند مطابق رفتار سلاطین اولیهٔ مغول در هندوستان بوده است .

کرزن از سال ۱۸۱۹ تا سال ۱۹۲۴ وزیر امور خارجهٔ انگلستان بود اگر عمر او وفا می کرد بصدارت نیز نایل می گردید معاهدهٔ ۱۹۱۹ بین ایران و انگلیس نتیجهٔ مجاهدتهای لرد کرزن بود که در نطق های خود در زمان تصدی وزارت امور خارجه انگلیس خود را بهترین دوست ایران معرفی می کرد (۲) .

لرد کرزن در ماه مارس ۱۹۲۵ درگذشت . بعد از وفات او تاریخ زندگانی وی را شخصی بنام ارل آف رونالدشای (۳) در سه جلد به سال ۱۹۲۸ میلادی در لندن بطبع رسانید در این جا مقداری از مطالب آن که راجع بایران است نوشته خواهد شد و تا اندازهٔ نظر کرزن راجع بایران و سیاست او را نسبت باین کشور روشن می کند .

لرد کرزن یکی از برجسته ترین امپریالیستهای کشور انگلستان است که در سنوات اخیر قرن نوزده و بیست و پنج ساله اول قرن حاضر کمتر نظیر داشته است . پس از اینکه تحولات خود را بیابان رسانید در سیاست شرق و تاریخ آن علاقمند شد بقول خودش قبل از اینکه داخل عمل شود تاریخ و جغرافی ممالک آسیا بخدوش شرق نزدیک را کاملاً مطالعه نمود، بعد سفر دور دنیا را در پیش گرفت ، امریکا

[1] The Middle Eastern Question or Some Political Problems of Indian Defence . By Valentia Chisol 1903

[2] ( He Was the Best Friend that Persia Possessed . ) Recent Happenings in Persia . By J . M . Balfour P . 159 .

[3] Earl of Ronaldshay

چین و ژاپون را سیاحت کرد ، نفوذ و اقتدار روسها در شرق اقصی و شرق وسطی خوب درك کرد .

در سال ۱۸۸۸ سفری بترکستان کرد خبوه - بخارا - تاشکند و سایر نقاط مهم تاریخی ترکستان را گردش کرد و از نزدیک جریان سیل روسها را که بطرف هندوستان جاری بود تماشا کرد در مراجعت بلندن کتاب معروف خود را راجع سیاست آسیای روسها نوشت و بطبع رسانید و موسوم کرد به « روسها در آسیای مرکزی » و این کتاب در سال ۱۸۸۹ انتشار پیدا کرد . (۱)

در این تاریخ لرد کرزن در میان رجال سیاسی انگلستان شهرت بسزا پیدا کرده بود هر کس می توانست پیش بینی کند که يك سیاستمدار نازده نفس پس از دیزرائلی - گلاستون و سالزبوری در صحنه سیاست انگلستان دارد پیدا می شود .

کرزن در این تاریخ خود در یاد داشتهای روزانه می نویسد : « من هر روز در این اندیشه هستم که پس از سی یا چهل سال دیگر در انگلستان چه قضایائی پیش خواهد آمد (۲) »

لرد کرزن اوقات خود را وقف مطالعه امنیت و حفظ هندوستان نموده بود و می کوشید طریقی به دست بیاورد که سرحدات آن مملکت را از خطر خارجی حفظ کند .

در این تاریخ (۱۸۸۸) کرزن عضو پارلمان انگلیس بود و همیشه عشق داشت در مذاکرات پارلمانی راجع به هندوستان شرکت کند مخصوصاً باراضی و نواحی که از خان کلات حکومت هندوستان بدست آورده بوده دفاع نمود .

گویا که بعدها بيك شهر بر جمعیت در شمال بلوچستان مبدل گردید ، کرزن در پارلمان اهمیت فوق العاده بآن داد و مخالفین دولت را تحت تنقید در آورد بعدها که خود فرمانفرمای هندوستان گردید این نواحی را در مقابل روسها بقدری که قدرت و استعداد لرد کرزن اجازه می داد محکم نمود و بعد از رفتن او از هندوستان معروف

[1] Russia in Central Asia . By Lord Curzon

(۲) تاریخ زنگنه لرد کرزن جلد اول صفحه ۱۴۰

شد که لرد کرزن هندوستان را در خطر تحویل گرفت و ایمن تحویل داد و این اقدامات او در پترزبورغ بیشتر مخصوص بود تا در لندن (۱).

از سال ۱۸۸۹ تا سال ۱۸۹۲ مشغول مسئله ایران بود مسافرت بان مملکت و نوشتن دو جلد کتاب فوق‌الذکر در باب ایران مه‌سال انجام گرفت.

هیچ يك از سیاستون دولت انگلیس تا این تاریخ با اندازه کرزن بنزدیکی روسها در نواحی و سرحدات ایران و افغانستان و هندوستان اهمیت نداده بود؛ کرزن بیش از هر کس در این باب جدیت بخرج داده و از هجوم روسها جلوگیری نموده است تا اینکه معاهده ۱۹۰۷ بین دو تین روس و انگلیس به مبارزات طرفین مقدمتاً خاتمه داد یعنی سیاست اروپا بواسطه رشد و نمو آلمان رنگ دیگری گرفت که در فصل آینده بدان اشاره خواهد شد.

عقیده کرزن نسبت به روسها این بود که آنها هیچ وقت از قدمهاییکه برای جلو برداشته‌اند بطرف عقب مراجعت نخواهند کرد سیاست - احتیاج و جاه طلبی روسها آنها را مدام بطرف جلو تشویق خواهد نمود و این در اختیار آنها نیست که ازین پیش رفتن ها جلوگیری کنند در طبیعت آنها است جایی را که گرفتند محکم نموده‌اند از آنجا پیش بروند (۲).

در این تاریخ روسها پنج ده معروف را از چنگ افغانها بیرون آورده مشغول آبادی آن نواحی بودند (۳).

این قسمت که يك وقتی جزو خاک خراسان بوده است در آن ایام مهد تمدن و مرکز علم و دانش شرق بوده است استمداد آن به مراتب بهتر و موقعیت جغرافیائی آن برای عمران و آبادی خیلی بیشتر از بین النهرین است دو رودخانه معظم آسیا سرچشمه های خود را از کوههای افغانستان گرفته این جلگه وسیع را سیراب می نموده منتها بعد از فتنه مغول و خرابی های تیمور لنگ آبادی های آن مبدل به خرابه و

(۱) ص ۱۴ جلد اول

(۲) ص ۱۴۷

(۳) در فصل ۵۳ در این باب مفصلاً بحث شده است.

ویرانه‌گردید و در دوره صفویه مختصر روی امنیت دید ولی عمران آن بدرجه اول هرگز نرسید و بعد از انقراض آن سلسله مثل همجای ایران دیگر این جلگه نیز روی آبادی ندید (۱).

روسها بواسطه تفتیش مأمورین کارآگاه خود قبلا از این نواحی اطلاع داشتند و می‌دانستند بانديك توجه و ایجاد امنیت چه محل قابل استفاده خواهد بود این است که روسها پس از تصرف مرو که در سال ۱۸۸۴ روی داد و گرفتن جلگه بین مرغاب و هری رود که سرحد روس را تا چند میلی هران امتداد می‌داد مشغول آبادی آن نواحی شدند و این مسئله فوق‌العاده اسباب وحشت انگلیسها را فراهم نموده بود و کمرزن بیش از هرکس در این اندیشه بود که چگونه روسها را که سیل وار بطرف هندوستان سرازیر شده‌اند جلو بگیرد در همین تاریخ است که کمرزن یگانه پهلوان میدان سیاست آسیائی انگلستان شده برای حفظ سرحدات هندوستان در تلاش است.

نویسنده‌های انگلیسی نیز بطور روس بیشتر متوجه شده‌اند و عده نیز از رجال حکومت هندوستان در این فکر بوده و در جرائد مقالات می‌نوشتند و کمرزن نیز در این مقالات شرکت نموده اگر سهو و اشتباهی رخ می‌داد با آن اطلاعات جامع و دقیقی که از اوضاع معاش آسیائی مرکزی داشت جواب می‌داد.

در یکی از مقالات در این موقع چنین می‌نویسد: \* حال نوبت انگلستان است که بتصد وسائل خود برای اینکه جوابی به تجاوزات روس داده باشد با اقدام حمله در افغانستان شروع کند این نظری است که یکی از صاحب‌منصبان دولت انگلیس (۲) اظهار می‌دارد و کنگل موریس نیز در دنبال این مسئله این طور عقیده دارد که علاوه بر اینها

(۱) مرحوم حاکم‌الملک در تاریخ ۱۲۷۸-۱۸۶۲ این خرابیها را بصورتی که نشان داده بکن بیان را شرح می‌دهد آنوقت می‌گوید من نمی‌دانم چرا دولت انگلیس از دولت ایران معانیت می‌کند از اینکه این نواحی را آباد کند و می‌گوید ما ناچار هستیم هرات را در دست داشته باشیم تا بتوانیم از تراکمه‌ایکه اسباب خرابی این جلگه و ایالت خراسان شده‌اند جلوگیری کنیم. کتاب استویک جلد دوم ص ۲۵۹

(۲) وزیر ارد و ایرنی فرماده کل قنون انگلیس در هندوستان است.

لازم است انگلستان بوسیله دولت متحد خود در نقاطیکه دولت روس نسبتاً ضعیف است بان دولت حمله کند .

اما از آنجائیکه دولت انگلیس عاقل و عاقل اندیش است بهتر این خواهد بود که در کوههای آسیای مرکزی رفته جنگ کند و نه دستهای خود را رویهم گذاشته چون خود را قوی و صاحب استمداد می داند پشت دروازه های هندوستان نشسته انتظار رسیدن دشمن را بکشد . (ص ۱۳۸) جلد اول .

اما عقیده خود کرزن این بود که ساده و صریح بایند بروسها گفته شود که تا اینجا که پیش آمده اید کافی است دیگر بیشتر چیزی نیست چونکه اعتراض و مکانبد سیاسی در اقدام روسها هیچ تأثیری ندارد و هرگاه روسها باین حرف اغنا نکرده و اطمینان ندادند آن وقت لازم می شود دولت انگلیس بپروسیه که می داند بد تجهیزات نظامی اقدام کند .

در باب دو جلد کتاب خود راجع بایران از کائیکد بیشتر طرف شور بوده و اطلاعات آنها استفاده کرده است یکی هم سرفردریک گلداسمید (۱) بوده این مرد همان است که در قضیه سرحدی بلوچستان و سیستان در سالهای ۱۸۷۵ تا سال ۱۸۷۲ حکمیت نموده است خود کرزن در یادداشت های خود باین مسئله اشاره می کند و می گوید :

« کتائیکه من در باب ایران می نویسم باید آن کتاب صحیح و طرف اعتماد باشد این است که بعقاید و اطلاعات گلداسمید اهمیت مخصوص می دهم . »

چون جنرال گلداسمید ازین نواحی آگاه بوده و خود شخصاً در دو سال تمام رئیس کمیسیون اعزامی دولت انگلیس بوده کرزن راجع به سیستان و راه کریمانستان از جنرال فوق الذکر عقیده خواسته است . (۲)

(۱) ص ۱۵۱

(۲) فردریک گلداسمید قریب نود سال عمر کرد این مرد خدمت بزرگی بمملکت

خود نموده است شرح حال او در موقع وفاتش که در سال ۱۹۰۸ بوده در مجله همایونی آسیائی لندن همان سال آمده است گلداسمید چند جلد کتاب نوشته است از آن جمله کتاب تلگراف و مسافرت مطالب آن راجع بجنوب ایران است سال ۱۹۰۸ ص ۶۱۹ .

در جای دیگر بجنرال گلداسمید چنین می نویسد: « من همیشه پیش بینی می کنم اختلاف بعدی بین دولتین انگلیس - روس درباره افغانستان است آنها هم موقعیکه امیر فعلی وفات کند در آن موقع باید افغانستان را تحت الحمايه انگلیس قرارداد این یگانه نتیجه آن اختلاف خواهد بود این فقط منحصر راهی است که می توان هرات را از خطر روس نجات داد پس از این عمل ما می توانیم راه آهن خود را بتواحي که می خواهیم اتصال دهیم. (۱)»

در اواخر سال ۱۸۹۱ کرزن به معاونت وزارت هندوستان از طرف لرد سائز بوری انتخاب گردید حال دیگر کرزن عضو عامله دولت انگلستان محسوب می شد در این تاریخ هنوز کتاب کرزن راجع بایران منتشر نشده بود صدراعظم انگلستان تقاضا نمود آنچه که راجع بشاه ایران نوشته شده است در آن تجدید نظر شود در این باب چندین مراسله بین او ولرد سائز بوری رد و بدل شد که در این قسمت از تاریخ زندگانی او بدانها اشاره شده است و بالاخره کرزن راضی شد آنرا تغییر بدهد و تغییر داد خود کرزن گوید: « باینکه آنچه من نوشته بودم بیان واقع و عین حقیقت بود مجبور شدم آنرا عوض کنم (ص ۱۵۴)».

کرزن از کار اداری خود در وزارت خارجه راضی بوده چونکه خود را می دید که در آن مسائل که خود علاقمند بوده در آنها دخالت نموده اعمال نظر می کند و در همین ایام است که می نویسد: « من هر روز فکر می کنم پس از پنجاه سال بعد در این مملکت یعنی در هندوستان چه اتفاقی خواهد افتاد. (۲)»

در این موقع کتابهای کرزن راجع بایران منتشر شده بود از همه جای برای او تبریک و تهنیت میرسید همه اعتراف داشتند که کتابهای مذکور بی نظیر است و خود کرزن ادعا می نمود که من ایران را آنطوریکه هست کشف کرده ام.

کرزن در اواسط سال ۱۸۹۲ بار دوم سفر دور دنیا را پیش گرفت بامریکا رفت از آنجا به ژاپون، مملکت کره و چین از آنجا به شانگای - هند و چین - سیام

(۱) ص ۱۵۲

(۲) جلد اول ص ۱۷۴

همه جا را بدقت سیاحت نمود از راه عدن و مدیترانه پاریس و در اوایل مارس ۱۸۹۳ بلندن رسید .

این مسافرت ذهن کرزن را روشن نمود با امپراطوری انگلستان بیشتر اهمیت داد در این موقع می‌تویسد : « غلط یا صحیح بمن اینطور ثابت شده است که بقای انگلستان در این است که مدام باید بتوسعه امپراطوری انگلستان کوشید ، (۱) خود کرزن نیز همیشه خود را با امپریالیست انگلیسی معرفی می‌نمود .

در جای دیگر می‌نویسد : « هر گاه قرنهای بعد بخواهند انگلستان را در مقابل محکمه تاریخ دنیا محاکمه کنند این محاکمه در سر چه موضوعی خواهد بود ؟ محاکمه انگلستان در سر این موضوع نخواهد بود که برای اداره کردن انگلستان چه قوانینی وضع نموده است بلکه موضوع این خواهد بود که در دنیا چه اثراتی از خود در مذاهب و اخلاق ملل عالم گذاشته است .»

بعد علاوه نموده گوید « ذکر یونان در تاریخ عالم در این نیست که يك مشت عوام فریب را بوجود آورد و این ها سقراط را محاکمه کرده او را محکوم بقتل نمودند بلکه افتخار یونانیها در این است که اول ملتی بودند که درس آزادی را بدنیای قدیم تعلیم نمودند رم قدیم برای این نیست که اعمال شبیه باعمال وحشیها از خود برور داده مانند فیرو (۲) کسی را به عرصه وجود آورده است بلکه در این است که به ملل غربی اروپا زبان و ادبیات محو نشدنی بیادگار گذاشته است .

یادآوری از ملت یهود نیز برای این نیست که يك ملت غیر مقبول و ناراحت معرفی شده که در سواحل مدیترانه سکنی داشته بلکه برای این است که ستایش خدای یگانه را بدنیای قدیم تبلیغ نموده اند .

و اینکه در آینده یادی از انگلستان خواهند نمود برای این است که چگونه قدرت و نفوذ خود را بکار برده است و آن عقل سلیمی که خداوند در نهاد آن خلق کرده

(۱) ص ۱۹۲ -

(۲) Nero این امپراطور داستان مفصلی دارد در اواسط قرن اول میلادی امپراطور

روم بوده در ظلم و ستم و فجایع اعمال بی‌تغییر بوده است .

بچه طریق مناسبی آن را بکار انداخته ملی را که تحت سلطه خود در آورده چگونه آنها را اداره نموده است. (۱)

قاره آسیا غالباً مورد توجه کرزن بوده تمام ملل آسیائی و مذاهب آنها و سیاست های گوناگون این ملل و زندگانی آنها دائماً مورد مطالعه او بوده بخصوص سکنه هندوستان .

راجع به هندوستان می نویسد : « شما نمی دانید هندوستان چیست؟ این مملکت قدرت و عظمت انگلستان را تشکیل می دهد هر يك از ملت انگلیس فرد بفرد باید تمام قوای خود را بکار برده تا رابطه هندوستان را با انگلستان محکم کرده و این مملکت را برای انگلستان همیشه نگاه داشت . »

در این تاریخ نگرانی که کرزن داشت از طرف دولت روس بود در افغانستان ، و از طرف فرانسه بود در سیام ، ارد معظم در تاریخ زندگانی خود در این موضوع شرحی می نگارد و در این موقع نطق های مهیجی بر علیه فرانسه ایراد می کند .

در سال ۱۸۹۴ و قسمتی از سال ۱۸۹۵ بکوه های پامیر و افغانستان مسافرت نموده است .

قبل از اینکه باین مسافرت اقدام کند با فرمانفرمای هندوستان مکاتبه نموده و قصد خود را از رفتن به افغانستان اظهار داشته ولی فرمانفرمای هندوستان صلاح ندیده و جواب داده است که امیر افغانستان راضی نیست احدی از انگلیسها قدم بخاک افغانستان گذارد ولی کرزن از قصد خود برنگشته خود شخصاً اقدام نموده است که بکابل رود در این باب خود کاغذی بامیر عبدالرحمن خان می نویسد که قسمتی از آن کاغذ در تاریخ زندگانی او نقل شده است (۲) در آن کاغذ بامیر می نویسد : « در تمام این اوقات یکی از آرزوهای قلبی من این بود که اجازه تحصیل نموده قنبر و پادشاه و الاحضرت امیر

(۱) ص ۱۹۲

(۲) ص ۱۹۸

(۳) ص ۲۰۴

(۴) صفحه ۲۰۶

افغانستان را دیدن کنم باین نیت که اول سلام خود را بآن شهریار با اقتدار روشن روان تقدیم می‌دارم ، من از آن والا حضرت زیاد حرف زده و زیاد در توشحات خود اسم برده‌ام همچنین این دیدار را برای آن می‌خواهم که در پارلمان انگلیس راجع بامور هندوستان و افغانستان صحبت و در مسائل راجع بآنها بحث می‌شود پس از دیدن افغانستان من می‌توانم از روی اطلاع آنها را ساکت کنم و بدولت انگلیس و ملت انگلستان بگویم که من خودم بکابل رفته میهمان والا حضرت امیر افغانستان بوده‌ام و اظهار میدارم که خود شخصاً با این شهریار کبیر صحبت داشته‌ام و برای این نیت است که مایلم منافع والا حضرت را در آتیه حفظ کنم ، ایالت خراسان را گشته‌ام بیخارا و سمرقند مسافرت نموده‌ام محل چمن را دیده‌ام در پشاور منزل کرده‌ام لیکن در قلمرو والا حضرت که در وسط این معالک واقع شده‌اند ندیده‌ام مملکت افغانستان حکم نگین انگشتر را دارد من تمام اطراف آنرا گردش کرده‌ام ولی گوهر گرانبهای این انگشتر را که مانند يك العاس درخشانی است ندیده‌ام و بمن اجازه دیدن داده نشده است و این سعادت را هم نداشتیم که شخص والا حضرت را زیارت کنم کتب زیاد در باب افغانستان مطالعه نموده و با اشخاص بصیر و مطلع صحبت داشته‌ام این است که همیشه آرزومند بودم که با شخص والا حضرت نیز ملاقات کنم و صحبت بدارم از آنجائی که والا حضرت بیش از هر کسی به مسائل بس مهمی آشنائی دارید ممکن است در این ملاقات از بیانات آن والا حضرت نور حقیقت باطلاعات ناقص من بقباید و معلومات من در باب افغانستان کامل شود . «

این مراسم اثر خود را بخشید امیر عبدالرحمن خان اجازه داد ارد کرزن با افغانستان داخلی شود و در کابل بدیدن او برود .  
در اواخر نوامبر ۱۸۹۴ کرزن در کابل بوده او را با احترام و با تجلیل وارد می‌کنند و در یکی از قصرهای کابل منزل می‌دهند .

قربب دو هفته در کابل مهمان امیر بوده با امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب‌الله خان پسرش که ولیعهد بود چندین بار ملاقات نموده ملاقاتهای او در هر دو مؤثر واقع

شده است در هر موضوعی آزادانه مذاکره شده است در باب تجاوزات خارجی، امیر عقیده مند بود هر وقت که از طرف دولت خارجی بمرحدات افغانستان تجاوزی بشود بدون درنگ انگلستان قشون خود را بکامک افغانستان خواهد فرستاد .

در ضمن صحبت امیر اظهار نمود از فرمانفرمای هندوستان مساعدت مالی خواسته ام که قلاع سرحدی بسازم و او موافقت نکرده است و از این بابت دلگیر بود و اظهار تعجب می نمود و می گفت نمی دانم چرا حکومت هندوستان دارد قلاع محکمی بین افغانستان و هندوستان می سازد در صورتیکه این قلاع باید در سرحدات افغانستان ساخته شود که در جلو روسها سد محکمی حاضر و آماده داشته باشد .

کرزن می نویسد امیر عشق زیادی داشت که بلندن برود و عوانع در پیش بود بالاخره این دعوت از او بعمل آمد و انجام نگرفت .

این ملاقات برای هر دو طرف خیلی مفید بود چرنکه کرزن امیر و ولیعهد او را خوب شناخته بود و بعدها که کرزن فرمانفرمای هندوستان شد این اطلاعات را به موقع بکار بست و می دانست شکایت های امیر چه بوده آنها را بموقع رعایت می کرد .

کرزن در این ملاقات دریافت که امیر حبیب الله خان بعدها جانشین امیر عبدالرحمن خان خواهد بود و نسبت با او کرزن نظر موافق داشت .

در سال ۱۸۹۵ کرزن از طرف لرد سالزبوری به مقام معاونت وزارت امور خارجه انتخاب شد در این تاریخ کرزن نماینده مبرز امپریالیزم انگلیس شناخته شده بود از نطق هائی که در این تاریخ نموده این عقیده او را تأیید می کند در ماه اکتبر ۱۸۹۵ گوید :

توسعه قلمرو بریطانیای کبیر علام و آثار بقای انگلستان است ، کوچک شدن آن علامه زوال و محو آن ، این ها اساس سیاست وزارت امور خارجه انگلستان است . (۱) .

کرزن سه سال در این مقام بقی بود در سال ۱۸۹۷ بیرین مسافرت نمود در این سفر لرد سالزبوری از کرزن خواست در ملاقات خود با امپراطور آلمان سؤال کند این

همه سوء ظن او از دولت انگلستان برای چیست ؟

ولی امپراطور آلمان وقت نداد و این ملاقات سرنگرفت اما کرزن در این تاریخ می نویسد : « از همه کس در برلن من می شنوم که امپراطور نسبت به انگلیس ها غضب ناک است علت هم این است که انگلیسها در همه جای دنیا با آلمانها مخالفت می کنند (۱) »

این دوره از خدمت کرزن بسیار پرسوانح بوده و اتفاقات سیاسی آن بی اندازه زیاد است مخصوصاً سیاست دول در چین در این تاریخ، روس - فرانسه و آلمان هر سه برخلاف میل انگلیسها در چین اقدامات می کردند ژاپون پیش از همه در سیاست چین علاقمند بود چون دول اروپائی مخصوصاً روسها قدم بخاک چین گذاشته بودند نفوذ آنها بر ژاپون غلبه داشت در این تاریخ نیز انگلیسها بکلی تنها بودند هنوز دوسی در میان دول اروپائی که تا اندازه سیاست انگلستان همراه باشد نداشتند کابینه لرد سالزبوری می گوید شاید بتوانند آلمانها را در دست داشته باشد چنانکه در فصل آینده باین قسمت - ها اشاره خواهم نمود انگلستان از هر دری داخل می شد شاید بتواند با آلمانها کنار بیاید ممکن تمیشد (۲) .

این بود همینکه شنیدند روسها مالک پرت آر تور شدند دیگر نمی توانستند نسبت باین پیش آمد بی اعتنائی کنند .

آلمانها بندر کپاچه او را متصرف شدند فرانسه بپادری آسیا و آفریقا در هر دو قسمت مشغول عملیات بودند انگلیسها هم در این تاریخ برای آنکه از سایرین عقب نمانده باشند بر حسب پیشهاد کرزن کشتی های جنگی خودشان را مأمور نمودند که بندر وی های وی را اشغال کنند پیشنهادی که کرزن در این باب نموده در صفحه ۲۸۴ جلد

(۱) ص ۲۴۸

(۲) در سال ۱۸۷۵ انگلیسها با آلمانها پیش نهاد کردند که حاضرند ایران را با آلمان بین خودشان تقسیم کنند آلمانها با گور نخوردند پاراضی نشدند اما بیست سال بعد همین عمل باروبها انجام گرفت و نتیجه آن معاهده ۱۹۰۷ بود

اول از تاریخ زندگانی او نقل شده است .

در باب این پیشنهاد کرزن می نویسد : « هر گاه آلمان و روس بخواهند مملکت چین را قطعه قطعه کرده مالک شوند نفوذ انگلیس در پکن از بین خواهد رفت .

در سواحل مملکت چین فقط سه بندر محکم نظامی وجود دارد کیاچه ۱۹۱۰ - پرت آرتور وی های وی (۱) فعلاً آلمانها بندر کیاچه او را تصرف نمودند - روسها بندر پرت آرتور را مالک شدند کار عاقلانه این است که دولت انگلیس نیز وی های وی را اشغال کند و قبل از اینکه روسها باین کار اقدام کنند لازم است بر حسب دعوت خود دولت چین ما نیز این قسمت را در تصرف خود داشته باشیم و قبول این دعوت نیز باین معنی است که ما حاضر نیستیم شمال مملکت چین را از دست بدهیم و بگذاریم رقبای ما در آنجاها تسلط پیدا کنند و در ضمن اطمینان نیز داده ایم که زمینه برای اتحاد با ژاپون فراهم گردد هر گاه بخواهیم ما از شمال مملکت چین خود را عقب بکشیم این عمل يك سكتة بزرگی به نفوذ دولت انگلیس در شرق اقصی وارد خواهد آورد ، در جائیکه نفوذ ما باعلی درجه بوده امروزه مورد تردید است فقط اقدامات جدی می تواند مجدداً آنرا در مقام اولیه خود برقرار کند . (۲)

در اثر اصرار کرزن دولت انگلستان بر علیه تجاوزات دول بخاک چین اعتراض نمود در ضمن هم قبول کرد که بندر وی های وی از طرف قشون انگلیس اشغال شود .

دو سال بعد (۱۹۰۵) که بلوای معروف مشت زنها (۳) در چین شروع شد در این تاریخ کرزن فرمائش های هند بوده و از لندن دستور رسید که يك عده قشون از هندوستان بچین اعزام شود در این تاریخ کرزن از هندوستان بوزیر هندوستان در لندن می نویسد : « من از این پیش آمد خیلی خوشوقت هستم و بندر وی های وی امروز محل معتبری

[1] Wei - Hai - Wei .

(۲) ۱۳ مارس ۱۸۹۰ ص ۲۸۴

(۳) شروع مشت زنها در چین يك داستانی است که در اطراف آن زیاد مطالب نوشته اند

من در موقع خود باین واقعه اشاره خواهم کرد .

است برای مقصود ما چونکه این بندر باز یافته من محسوب می‌شود فقط افسوس آن را دارم چرا در این مدت دو سال به آبادی صحیح آن اقدام نشده است. (۱)

کرزن باین بندر قناعت نکرده در ۱۱ آوریل ۱۸۹۸ به لرد سالزبوری صدر اعظم انگلستان می‌نویسد: قدم دوم ما در مملکت چین این خواهد بود که یک کمپانی قابل اطمینانی پیدا کرده بدهیم راه آهن اصلی شمال و جنوب یانگ تزی (۲) را بسازد از شمال بطرف پکن و از جنوب بطرف کانتون.

مردم تصور می‌کنند که جلگه یانگ تزی را در یک چشم بر هم زدن ممکن است تصاحب نموده - امنیت داده آنجا را اداره خواهیم نمود این محل قریب یکصد و پنجاه میلیون نفوس دارد گمان می‌کنم تا پنجاه سال دیگر هم باین کار موفق نشویم اما من این انتظار را دارم که راه آهن بهترین وسیله است که می‌توان بوسیله آن به مردم دست رس داشت و این نفوذ را توسعه داد و مقصود را عملی نمود. (۳)

کرزن سه سال در این مقام باقی بود تا اینکه در ماههای اخیر سال ۱۸۹۸ به سمت فرمانفرمای هندوستان منصوب گردید و اواسط دسامبر همان سال عازم هندوستان شد.

کرزن هفت سال در هندوستان فرمانفرمائی داشت علاوه بر اینکه جلد دوم تاریخ زندگانی او وقف دوره زمامداری او در هندوستان است کتاب دیگری نیز در تاریخ ۱۹۱۱ در زمان حیات خود لرد کرزن در تحت عنوان « هندوستان در زمان حکومت کرزن و بعد از او » تألیف اووات فریزر نوشته شده است (۴).

(۱) ص ۲۸۶ ماه اوت ۱۹۰۰

[2] Yangtze

(۳) ص ۲۸۶

[4] India Under Curzon And After . By Lovat Fraser . 1911

و در سال ۱۹۲۵ خود لرد کرزن دو جلد کتاب راجع به حکومت انگلیس در هندوستان

بضیع رسانید

British Government in India . By Lord Curzon .

این دو جلد کتاب در کتابخانه مجلسی است .

مطالب هر دو جلد مفصل و خیلی زیاد است فقط در اینجا بآن قسمت ها اشاره می شود که مربوط بایران مسئله ایران است .

نظر لرد کرزن همیشه متوجه حفظ هندوستان و رعایت منافع انگلستان بوده سایر ممالک آسیائی و استقلال و تمامیت آنها در نظر او ارزش سیاسی نداشته مگر تا آن حدی که ممکن بشود آنها را برای حفظ هندوستان و حفظ منافع انگلستان بکار برد چنانکه بعدها خواهیم دید در نظر او این ممالک آسیائی دیگر نمی توانند دارای استقلال باشند چونکه سرحدات طبیعی هندوستان ماوراء سرحدات این ممالک است یعنی قسمت مهمی از قاره آسیا را این سرحدات تشکیل می دهد همسایه های هندوستان بعقیده لرد کرزن افغانستان - ایران و عثمانی نیست، بلکه روس - فرانسه و آلمان در آسیا همسایه های هندوستان و رقیب های بریطانیای کبر می باشند (۱).

قسمت عمده مأموریت های فرمانفرماهای هندوستان مواظبت از حرکت روسها بود که از جایی به سرحدات هندوستان رخنه نکنند لرد کرزن نیز گرفتار همین مصیبت بوده روسها حال دیگر خودشان را به سرحدات هندوستان نزدیک کرده بودند از چندین نقطه می کوشیدند تا خودشان را پشت دیوار آن مملکت برسانند در این تاریخ ۱۸۹۹ قصد روسها این بود که در رتکون قونسلگری داشته باشند این برخلاف میل کرزن بود سخت اعتراض نمود .

در کاشغر نماینده روسها ، بقول مورخ لرد کرزن ، مشغول اقدامات بودند همچنین در تبت بر علیه منافع انگلستان وسیله می کردند .

نمایندگان آن دولت همه جا مشغول دیسه بودند در سیکیم (۲) که یک مملکت کوچک تحت حمایت انگلیس بود دست اندازی می کردند.

بالاخر از اینها مهمترین کار لرد کرزن محکم نمودن تنگه خیبر بود که در حقیقت راه عبور جهانگیران عالم از اینجا به هندوستان بوده نقشه که لرد کرزن برای استحکام

[1] The Middle Eastern Question or Some Problems of Indian Defence By A. Chisol London . 1903 . P . 2

[2] Sikkim . در قسمت شرقی همالیا نزدیک تبت .

آنجا داشت دولت انگلستان قبول نمود(۱).

در همین اوقات است که روسها جدیدت دارند در هندوستان قونسول داشته باشند و دولت فرانسه نیز که دوست و متحد روسها بود بک بندر برای بارگیری ذغال سنگ برای کشتی های خود از حکومت مسقط در سواحل آن مملکت بدست آورده است در صورتیکه کرزن در کتابهای خود راجع بایران شرحی از مسقط نوشته در آنجا گفته بود که هیچ بنگ از دول اروپائی حق مداخله در مسقط ندارند حکومت مسقط در تحت لوای دولت انگلستان است دولت انگلیس بآن مقرری می دهد و سیاست خارجی آنرا دولت انگلیس معین می کند و دولت انگلیس اجازه نخواهد داد یکی از دول اروپائی بقصد استعمار در آنجا قدم گذارد(۲).

حال قونسول فرانسه این بندر را که موسوم به جیسه است برای دولت خود گرفته و صاحب منصب بحری فرانسه نیز با آنجا وارد شده است(۳).

این مسئله غوغائی در اروپا تولید نمود و بین فرانسه و انگلیس کنورت حاصل شد بالاخره بواسطه اقدامات کرزن امام مسقط از کشتیهای دولت انگلیس ترسیده قرارداد خود را با فرانسه لغو نمود اما فرانسه دست بردار نبود چون قضایائی دیگر نیز درین بود این موضوع هم مدتها طول کشید تا بین دولتین اصلاح شد(۴) راجع باین قضایا در فصل بعد صحبت خواهد شد.

موضوع مسقط بواسطه ترساندن امام آن در دایرة حکومت هندوستان خانمه یافت بک مسئله دیگر اسباب نگرانی فرما فرمای هد و سرد اعظم انگلستان بود آنهم مسئله کویت بود که در طرف غربی خلیج فارس واقع است هم کرزن و هم لرد - سائز بوری هر دو در این قصد بودند که آنجا را تحت حمایت دولت انگلیس در

(۱) ص ۴۲ جلد دوم

(۲) کتاب ایران جلد دوم ص ۲۴۳ تألیف کرزن .

(۳) ص ۴۵

(۴) ص ۱۱۱ این موضوع را در فصل بعد در ضمن اوضاع اروپا در این تاریخ شرح

آوردند و شیخ مبارک شیخ آنجا نیز از شر ترکها خلاص شود با هر پیشنهاد دولت انگلیس موافق بود.

از اوایل سال ۱۸۹۹ موضوع ترانسوال پیش آمد و در دربار لندن کسب اهمیت نمود و گاهی هم لرد کرزن طرف مشورت بود در یکی از مراسلات خود کرزن بوزیر هندوستان می نویسد: «موضوع کروگر (۱) چندان قابل اهمیت نیست این شخص در دریا حکم یک حبیبی را دارد و بزودی محو خواهد شد اما مسئله ایران دارای اهمیت است که طرف توجه نیست ممکنست ترانسوال بدون تردید بزودی ضمیمه مملکت انگلستان شود این برای ما چندان نگرانی ندارد لیکن مسئله ایران خیلی مهم است چه قدر مناسب بود ایران و خلیج فارس این اهمیت را در انظار شما پیدا می نمود هر روز هر ماه و سال می گذرد هیچ اقدامی نمی شود در صورتی که خطر رو بهم متراکم می شود و عنقریب پشت دروازه ما خواهد رسید (۲).

در این تاریخ مسئله ایران در فکر لرد کرزن گردش می کرد و ایران را بقول خودش از نقطه نظر امپریالیزم انگلیس و موضوع حفظ هندوستان حلاجی می کرد و آن را یک بلائی فرض می نمود که برای هندوستان خطرناک است و تصور می کرد برای دولت انگلیس یک خرج فوق العاده تولید خواهد کرد (۳).

در این تاریخ لرد کرزن چه نقشه برای ایران کشیده بود و چه پیشنهادی داشت که برای ایران تهیه کرده بود معلوم نشد چونکه طوای نکشید که جنگ ترانسوال شروع شد و بوئرها مردانه از وطن خود دفاع کردند و موضوع اهمیت پیدا کرد و نظر دولت انگلیس با آن طرف متوجه گردید ولی کرزن در اوایل امر هیچ باور نمی کرد که سکنه ترانسوال جرأت کرده تقاضاهای دولت انگلیس را رد کنند اما همینکه اخبار مقاومت بوئرها منتشر شد و رشادتهای آنها معروف جهان گردید کرزن فهمید که حدسیات او خطا بوده و برای مدتی مسئله ایران را کنار گذاشت و مشغول تجویزات

[1] کروگر قائد بوئرها Kruser

(۲) تاریخ زندگانی کرزن جلد دوم صفحه ۶۷

شد که به آفریقای جنوبی از هندوستان کمک بفرستند و به فوریت عده را اعزام داشت. (۱)

اما دولت روس نیز در آسیای مرکزی راحت نبود این مسئله حقیقت داشته یا اغراق بوده در هر حال در این تاریخ این طور در ذهن اولیای امور هندوستان جای گرفته بود که روسها عنقریب خود را بخلیج فارس رسانیده بدریای هندوستان دست خواهند یافت.

باز در تاریخ زندگانی کرزن دیده می شود که اولیای امور لندن را راحت نگذاشته باز موضوع ایران را تجدید نموده است این بار پرده سیاسی را کنار گذاشته عنوان می کند باید روسها را در آسیا محدود نمود اما عملی نمودن نظر اردکرزن برای کابینه لندن چندان کار آسانی نبود در این تاریخ سیاست انگلیس در آسیا و آفریقا بجا های خطرناکی رسیده بود در شمال آفریقا با فرانسه در جنوب آن قاره با ترا تسوال به پشت گرمی دولت مقتدر آن عصر آلمان که از بوئرها آشکار و پنهان حمایت می نمود مشغول جنگ بود در چین و ممالک آسیای مرکزی با روسها در کشمکش بود از هر طرف برای دولت انگلیس رفتاری تولید می شد این بود که کابینه لندن راجع به سیاست کرزن نسبت به روسها موافق نبود.

این عقیده در هندوستان پیدا شده بود که روسها بزودی در استانبول - کابل و خلیج فارس استیلا خواهند یافت و عقیده کرزن این بود که باید به روسها واضح گفت و به آنها حالی کرد که دیگر نباید از محلهائی که فعلا اشغال نموده اند جلوتر حرکت کنند کابینه لندن علاوه بر اینکه تمی خواست با روسها در افتد مایل بود با آنها کنار بیاید و ممالک آسیای مرکزی را تا حدی هم به نفع روسها تصفیه کند و حاضر نبود با استعمال اسلحه متوسل شود چونکه این وسیله را مؤثر نمی دانست اما سرشت بلند پرواز کرزن

(۱) جنگ دو ساله بوئرها با دولت انگلیس در عالم بی تاثیر است کمتر ملتی در تاریخ دنیا چنین رشادتی از خود بروز داده است تاریخ این جنگها را امری در شش جلد جمع آوری نموده است و جلد دوم فهرست بر آنها قرار داده.

باین دلایل متقاعد نمی‌شد و اصرار داشت برای حفظ منافع انگلیس باید با استعمال اسلحه متوسل شد (۱).

کرزن نمی‌توانست مسئله ایران را از خاطر خود دور کند در این تاریخ راپرت دیگری تهیه نموده در آن دلایلی اقامه کرده گوید :

« نظر دولت پادشاهی انگلستان بخطا می‌رود ما در ایران منافع سیاسی سوق - الجیشی و منافع تجارتهی داریم مسئله ایران مسئله امپریالیزم بریطانیای کبیر است انگلستان برای دفاع آن باید تمام قوای خود را بکاربرد در این نقطه ممکن نیست توافق نظر حاصل شود این باید یکی از قضایای مسلم اصلی سیاست پادشاهی انگلستان شناخته شود که دولت انگلیس نه تنها بدولت روس بلکه بهیچ دولت اروپائی اجازه نخواهد داد تواحی شمالی و مرکزی ایران را نگهدارنده خود را بخلیج فارس برساند و یا بخواهد تسهیلاتی برای بحرییمائی خود در خلیج فارس قائل شود ولو اینکه هیچ نوع نظر استعماری نداشته باشد .

در مقابل دولت انگلیس سه راه است که می‌تواند یکی از آنها را اتخاذ کند. اول ممکن است انگلستان احیای ایران را به وسیله عمال روس و انگلیس عملی کند ، اینکه عاقبت خوبی نخواهد داشت چونکه این راه احیای ایران نیست بلکه راه فنای ایران است همین است که روسها آرزو دارند.

دوم ممکن است به وسیله قرار داد تعیین منطقه نفوذ برای طرفین که عملیات هر یک از دوضرف محدود باشد محدود خود شبیه به موافقت نظر که در باب راه آهن چین شده است .

من خیلی راضی خواهم بود در این زمینه اقدام شود هر گاه اینهم ممکن نباشد طریق سوم این خواهد بود که دولت انگلیس واضح بر روسها بگوید که هر تجاوزی که روسها در شمال ایران پیش بگیرند انگلیسها نیز همان اقدام را در جنوب ایران پیش خواهند گرفت . »

جوابی که باین پیشنهاد کرزن از لندن داده می‌شود این است که وزیر هندوستان

می‌نویسد: « تمام نظریات سیاسی و آمال شما این است که بالاخره دولت انگلستان مقام خود را در ایران باقوای نظامی حفظ کند ، بسیار خوب متوسل باسلحه شدن بسیار سهل است آیا می‌توان از روی دلیل پیش‌بینی کرد ؟

حال نتیجه هرچه می‌خواهد باشد ، اگر ما داخل جنگ شدیم این امید هست که وضعیت ما بهتر از اینکه فعلا هست خواهد بود ؟

من باور نمیکنم مقام ما در ایران یا حتی در خلیج فارس طوری است که ما را قادر می‌کند باینکه از روی اطمینان متوسل باسلحه شد از پیش آمدهای بیشتر روسها جلوگیری کنیم .

ما بنابراین هر سیاستی را که شما درباره ایران پیشنهاد میکنید من اینطور خیال می‌کنم که شما نباید اساس آنرا روی این عقیده قرار بدهید که برای حفظ منافع انگلیس در آن قسمت باید متوسل بجنگ شد. » (۱)

باین جواب کرزن متقاعد نشده باز مسئله ایران را تعقیب میکند و در ۲۲ نوامبر ۱۸۹۹ به وزیر هندوستان چین می‌نویسد: « شما می‌گوئید اطمینان دارید از اینکه ما می‌توانیم از ورود روسها بخلیج فارس جلوگیری کنیم و باید هم این کار را بکنیم اگر نکنیم اسباب شکست ما است بسیار خوب اما من نمی‌دانم بچه طریق در آینده روسها را از وارد شدن بخلیج فارس جلوگیری خواهیم نمود .

حال من می‌گویم اگر ما سیستان را در دست داشتیم هرگز روسها نمی‌توانند به بندرعباس یا جاه بهار برسند من خیال می‌کنم در هر حال ما باید بوشهر را در دست داشته باشیم این شهر يك شهر انگلیسی می‌باشد این است که من نمی‌توانم بطور کامل تصور کنم روسها از کجا می‌توانند نقطه را در این نواحی بدست بیاورند مگر اینکه خود ما این قدر ضعیف باشیم که خودمان يك نقطه را با آنها واگذار کنیم. » (۲)

این مراسلات دارما رد و بدل می‌شد بدون اینکه طرفین از نظریات یکدیگر متقاعد بشوند .

کرزن در جای دیگر می‌نویسد: « مدت‌ها است من سعی می‌کنم بدولت انگلستان سیاست خودمان را راجع بایران و خلیج فارس و بین‌النهرین حالی کنم مخصوصاً سیاست کلی خودمان را راجع باین نواحی، ولی دولت انگلستان توجهی ندارد اما يك روزی این بلافاصل خواهد شد آنوقت است که نوشتجات من بطبع خواهد رسید درحالیکه من در آن زمان در قبر خواهم بود آنوقت حق را بمن خواهند داد من مایلم حس تمیز و وسعت نظر و مآل اندیشی در بین باشد که خطر فردا را امروز تشخیص دهند عوض اینکه بآن امروزها بی‌اعتنائی شود. »

اما اوقات کابینه انگلستان مصروف جنگ جنوب افریقا بود در آن نقطه دنیا گرفتاری بزرگی برای انگلستان پیش آمده بود اثر این گرفتاری در هندوستان محسوس بود روسها نیز از این موقع استفاده کرده در سرحدات افغانستان قشون آماده می‌کردند که بطرف افغانستان پیش بروند در این موقع کرزن مضطرب شده به لندن تلگرافی اضلاع داد و از صدر اعظم انگلستان تقاضا نمود از دولت روس این پیش‌آمد را رسماً تحقیق کند علاوه بر اینها از دیاد نفوذ روس در ایران بیشتر مزید بروحشت لرد کرزن گردید.

این هنگامی است که در ۳۵ ژانویه ۱۹۰۵ در روزنامه رسمی روس منتشر شد اینکه دولت ایران مبلغ بیست و دو میلیون و نیم متات از روسها قرض می‌کند در نظر کرزن این خبر مانند يك صاعقه بود تصور می‌نمود که با این قرض ایران دست و پا بسته تسلیم روسها خواهد شد.

در ۸ فوریه بوزیر هندوستان چنین می‌نویسد: « هرگاه دولت انگلستان امروز کاری نکند این طنائیکه روسها بگردن ایران انداخته‌اند یواش یواش آفرایخته خواهند کرد این مملکت بدبخت تمام خواهد شد. »

باز لندن جوابی نداده مجدداً تعقیب نموده می‌گوید: « من تصور نمی‌کنم لرد سالزبوری اقدام نموده ایران را از این بدبختی نجات بدهد ما در این زمینه خیلی یواش حرکت می‌کنیم و راهرا برای محو و زوال نفوذ خود در ایران صاف می‌کنیم اما

يك روزی خواهد رسید که افکار عمومی انگلستان به هیجان آمده ملت انگلستان دولتها و وزراء که در این مدت چشم های خود را بستند که مسئله ایران را نمی بینند آنها را بحساب دعوت خواهند کرد. (۱)

اما از لندن جوابی نمی رسید تا اینکه در اوائل مارس خبر فتوحات لرد - رابرتس از ترانسوال رسید انگلیس ها قدری راحت شدند اما موضوع ایران همانطور مسکوت بود. (۲)

گرفتاری انگلیسها در جنوب افریقا فرصتی بدست سیاسیون روس داد که در ایران و افغانستان اقدامات مؤثری بکنند انگلیسها نیز در اروپا کسی را میان دول نداشتند که روسها را به وسیله او تهدید کنند روسها هم زمینه را کاملا مستعد دیده با افغانستان و پادشاه ایران مشغول زمیند سازی بودند لرد کرزن از تمام این پیش آمدها اطلاع داشت و همه را بنندن اطلاع می داد ولی مؤثر نبود اما ضولی نکشید فهمید که کابینه انگلستان مشغول زمیند سازی است که باروسها نزدیک شود و از لندن نیز این مسئله را بفرمانفرمای هندوستان اطلاع دادند .

در یکی از مراسلات لندن این مطلب را اشاره نموده اند (فوریه ۱۹۰۵) اینکه تعقیب سیاست ایجاد دول پوشالی از عمالک آسیایین دو امپراطوری عظیم اروپا گذاشته است حال دیگر مفید نیست، این سیاست چند سال پیش خوب بود بعلاوه در ایران و افغانستان نیز این سیاست به نتیجه نرسید ما حال بآن روزی متوجه هستیم که سرحدات دولین روس و انگلیس بهم متصل شود راجع به ظهور نمایندگان سیاسی روس در کابل اشاره کرده گوید : « ایراد بحضور آنها در کابل امروز بسمورد است . » (۳)

(۱) ص ۱۰۲

(۲) این قسمت از تاریخ سیاسی ایران خیلی مهم و خیلی مفصل است این قضایا مربوط دوره معتزالدین شاه است و قرض از روسها و شاهکارهای امین السلطان اتابک و قتیبه از این پیام سعیت شود من در این باب بیشتر توضیحات خواهم داد .

(۳) ص ۱۲۶ ۱۵ جون ۱۹۰۰

اما فکر ایران و هجوم روسها به بند کرزن را راحت نمی گذاشت در این تاریخ روسها هم از تعدی و تجاوز هیچ کوتاه نمی آمدند .

کرزن درباره حل مسئله ایران بقدری مبالغه نمود تا بالاخره لرد سالزبوری این جواب را داده می نویسد : « کرزن مدام اصرار دارد که من با روسها داخل مذاکره شوم از تصور می کند که پانصد هزار سرنیزه دنبال من است در صورتیکه چنین فشونی ندارم . » (۱)

اما روح لرد کرزن را راجع بموضوع روس و ایران هیچ چیزی ساکت نمی نمود در این باب بقدری مکاتبه کرده است که اندازه ندارد روح تمام این مراسلات این است که اگر بیگ موافقت نظر با روسها در باب ایران نتوان موفق شد پس بهتر است بروس و ایران هر دو صریح گفت که بیش از حد معینی نباید روسها جلو بیایند زیرا که آنجا رادوات انگلستان باید محکم کند اگر گوش ندهند باید بهر قیمتی شده از منافع انگلستان دفاع نمود .

در جای دیگر می نویسد : « درخاخر داشتند باشید اگر روسها در شمال ایران بخواهند مشهد را تصرف کنند یا در آنجا دست بتجاوزات بگذارند من نیز کاملاً حاضرم که در جنوب ایران عمل را انجام بدهم فوری یک عده قشون فرستاده بندر عباس را تصرف خواهم نمود یا بوشهر و محمره بلکه هر سه نقطه را بتصرف خود خواهم گرفت آنوقت مسئله ایران حل می شود . » (۲)

باز از لندن باوا اطلاع داده شد که موقع مناسب نیست و جنگ افریقای جنوبی قشون انگلستان را بطور کلی مشغول نموده است و علاوه نمودند : « اینکه شامی گوئید سکوت در این موقع اسباب خطر آینده است و در آتیه تولید زحمت خواهد کرد لیکن اگر خود شما در لندن بودید شام هم هرگز وسیله بدست نمی دادید که فرانسه آلمان و روس فرصتی بدست آورده با هم نزدیک شوند و او اینکه موضوع مسقط - بندرعباس و کویت هم در میان باشد از این عبارت ملول نگردید من نیز از نمونه

(۱) ص ۲۰۶ اول نوبه ۱۹۰۱

(۲) ایضاً ص ۲۰۶

دسته سیاست پیش روی «ستم اماگاهی» هم توقف مفید است و موقع مناسب نیست (۱) ،  
در سال ۱۹۵۲ روسها در ثبت مشغول اقدامات بودند در این تاریخ امیر عبدالرحمن  
نیز در گذشته بود .

پیش آمدن روسها در ثبت و نگرانی کرزن از کابل باز او را بالندن به مکاتبه  
انداخت . در ۲۸ ماه مای همان سال به لندن می نویسد روسها در لهسا پایتخت ثبت  
مشغول دسیسه هستند اگر عقیده مرا بخواهید این است که فوراً قشون انگلیس در  
لهسا حاضر باشد . (۲)

از آن حرف نپیه می دید با امیر حبیب الله خان ملاقات کند ولی امیر مذکور  
حاضر نبود و عنبر می آورد و در ضمن اظهار می نمود روابط طرفین دوستانه است و محتاج  
به ملاقات نیست . (۳)

بنابین حال کرزن نتوانست طاقت بیاورد خود بطرف پیشاور حرکت کرد و آن  
نواحی را که ممکن است يك روزی میدان جنگ واقع شود معاینه کند تنگه خیبر را  
تماشا نمود از طایفه آفریدی اطمینان حاصل کرد و فهمید که در موقع سوق لشکر  
بافغانستان چه خواهد شد . (۴)

سال ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ کرزن در داخل هندوستان گرفتاریهای مخصوصی داشت  
مرکب ملکه ویکتوریا - جلوس ادوارد هتم و درباری که در دهلی برپا نمود اینها تا  
حدی مشغولیات زیادی برای فرمانفرمای هندوستان بود اگرچه گاهگاهی بموضوعات  
ایران و افغانستان توجهی داشت ولی اوقات او تماماً مصروف این مسائل می شد اما سال  
۱۹۵۳ که در امور داخلی هندوستان فراغتی حاصل نموده بود مجدداً به مسائل ایران  
و افغانستان مشغول شد .

در یکی از نطقهای خود باز اشاره می کند می گوید : « یاشوقتی بود هندوستان

(۱) صفحه ۲۰۷ اوت ۱۹۰۱

(۲) « ۲۰۸

(۳) « ۲۰۹

۱۰۱ « ۲۱۳

از دنیا جدا و کنار افتاده بود ولی امروز چنین نیست مسائل خارجی هندوستان اهمیت فوق العاده پیدا نموده است ممالک اطراف آن تمامیت و آزادی آنها مربوط بمقدرات هندوستان است اینک ابرهای تیره در افق آنها دارد متر اکم می شود و در آینده از مسائل مهم به شمار خواهد رفت (۱) .

باز در دنباله این مطلب علاوه کرده گوید: « وضع جغرافیائی هندوستان طوری است که بمرور این مملکت را در درجه اول سیاست بین المللی قرار می دهد ».

در این تاریخ کابینه لندن نیز تا اندازه از گرفتاریها فراغت حاصل نموده بود در این اوقات از اوضاع افغانستان اظهار نگرانی می کند بکرزن می نویسد: ما کاملاً در مسئله افغانستان شما غرق شده ایم (۲) .

بواسطه سابقه آشنائی که با امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان داشت کرزن خیلی کوشید مخصوصاً در تمام مدت جنگ که در جنوب افریقا جریان داشت بلکه بتواند مسائل افغانستان را به میل خود تصفیه کند ولی بجائی نرسید امیر عبدالرحمن خان از شکایت های خود دست برنداشته بود باز هم اصرار و تعقیب می نمود یکی از آن مسائل شخصیت نماینده سیاسی بود که در کابل باید مقیم باشد .

حکومت هندوستان همیشه بکنفر هندی شیعه مذهب را انتخاب کرده می فرستاد و امیر از این انتخاب بی اندازه ناراضی بود حتی در همان سال ۱۸۹۴ که کرزن بعنوان وکیل پارلمان انگلیس بکابل رفته مهمان امیر عبدالرحمن شده بود در ضمن نارضایتی های خود یکی هم موضوع تعیین نماینده سیاسی افغانستان بود کرزن می نویسد: « امیر اظهار نمود فرمانفرمای هندوستان نماینده سیاسی خود را برای افغانستان از میان شیعه های هندی انتخاب می کند در صورتیکه شیعه ها بدترین جانوران خزنده روی زمین هستند (۳) »

(۱) صفحه ۲۶۱ جلد دوم ۲۵ مارس ۱۹۰۳

(۲) صفحه ۲۶۲

[3] The Shihahs . . . Were The Worst of Reptiles . P . 263

جالیه نیز همین نظریات در کلر بود و یکی از موضوعات اختلافات طرفین بشمار می‌رفت .

در این تاریخ یکی از مراسلات رسمی امیر افغانستان این بود که راه آهن روسها عنقریب بکوشک سرحد شمال افغانستان خواهد رسید و سؤال نموده بود در این موقع امیر چه باید بکند .

کرزن فرصت بدست آورده موضوع راه آهن افغانستان و ایجاد تلگراف را عنوان نموده گفت تا این وسائل در افغانستان درست نشود فرما فرمای هندوستان نمی‌تواند قشون بکمک افغانستان بفرستد .

این دو موضوع عمده همان است که سالها امیر عبدالرحمن خان از آنها فرار می‌نمود و علت هم این بود که بهیچ وجهی راضی نمی‌شد افغانستان با هندوستان نزدیک شود این بار نیز قبول ننمود جواب داد که بقشون انگلیس احتیاج ندارد که از متجاوزین به مملکت افغانستان جلوگیری کند چیزی که انتظار دارد پول و اسلحه است که قوای خود را آماده کند. (۱)

در این باب کرزن با افغانستان مکاتبات زیاد نمود بالاخره از امیر این جواب را دریافت نمود که: « هر گاه جنگ پیش آمد و ادامه پیدا کرد و مقاومت قشون افغانستان نتوانست از مهاجمین جلوگیری کند آنوقت ممکن است از ملت افغانستان انتظار داشت راضی بشود و از قشون انگلیسی کمک بخواهد .»

این مسئله همین طور لاینحل ماند تا اینکه در هفتم اکتبر ۱۹۰۱ خبر وفات امیر عبدالرحمن خان و جلوس امیر حبیب‌الله خان به فرمانفرمای هندوستان رسید . از این پیش آمد کرزن استفاده نموده در ۹ اکتبر با امیر حبیب‌الله خان می‌نویسد و بدوستی سابق خود اشاره می‌کند و حتی علاوه کرده گوید که بهندوستان آمدن من و قبول فرمانفرمائی هندوستان این بود که با افغانستان آشنا هستم و با امیر حبیب‌الله خان دوست می‌باشم و در موقع خود می‌توانم مفید واقع شوم .

کرزن خیلی امیدوار بود که با امیر جوان بهتر می‌تواند کنار بیاید و در بهار

سال ۱۹۰۲ چنانکه قبلاً اشاره شد از امیر تقاضای ملاقات کرده و امیر قبول نمود و این مسئله خیلی اسباب نگرانی کرزن را فراهم آورد چونکه در آن مراسم امیر اشاره کرده بود که رویه پدر خود را پیش خواهد گرفت و قرار داد بین افغانستان و هندوستان را با تمام جزئیات آن مراعات خواهد کرد. (۱)

کرزن فهمید نقشه او در افغانستان اجرا نمی‌شود و دانست که نیک بینی او نسبت با افغانستان بی اساس بوده و در سوم سپتامبر ۱۹۰۲ بلندن نوشته گوید: «در نقطه که ابرهای سیاه متراکم شده و اسباب زحمت خواهد شد آن نقطه افغانستان است. (۲)

در اواسط همان سال باز کرزن مراسم با امیر حبیب‌الله خان نوشته و از او تقاضا نمود که در راه اکبر آینده در هندوستان با او ملاقات کند اما امیر باین مراسم جواب نداده مسکوت گذاشت اما معروف شد که دسایس روسها مانع آن بود و حتی شنیده شد که خود امیر نیز با اتحاد روسها متمایل است کرزن این قضایا را بلندن مراجعه نمود و خواست که دستور بدهند هرگاه امیر به ملاقات او راضی نشود او را تهدید کند همین مسئله باعث ازدیاد اختلاف بین کابینه لندن و کرزن را فراهم نمود و دولت انگلستان در محذور واقع شده و از این پیش آمد اظهار نگرانی کرد.

در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۰۲ صدراعظم انگلستان بکرزن می‌نویسد و باو دستور می‌دهد در صورتیکه امیر افغانستان با روسها کنار بیاید و با آنها اتحاد کند و از مادوری جوید در این صورت نمی‌توان ساکت و آرام نشست و شما نمی‌توانید بگذارید نتیجه بیست سال یا شصت سال گذشته از دست برود هرگاه این واقعه رخ داد البته این از دید عهدیه‌های امیر است یا دسیسه روسها یا هر دو، حالیه اگر شما نتوانید با روسها مبارزه کنید

(۱) اشاره بقراردادی است که در تاریخ ۱۸۹۳ بین امیر عبدالرحمن خان و دولت انگلیس به نمایندگی سرهاری مورتی مردوراند Sir Henry Mortimer Durand منعقد شده بود سواد این قرار داد در کتاب موسوم بافغانستان تألیف عملتون نسیج شده است صفحه ۴۰۶ و ۴۰۷.

(۲) صفحه ۲۶۶ جلد دوم.

افلا امیر را تنبیه بکنید اگر شما راضی شوید يك كسى یا يك مملکتی از قبیل ایشان با امیراطوری انگلستان شوخی بکند بهتر است ما بساط خود را جمع آوری نموده یکاسی خود خانمه دهیم. (۱)

اما موضوع غیر از این بوده کابینه لندن با اقدامی که منجر بقشون کشی شود مخالف بود درمراسله که در آخر دسامبر ۱۹۰۲ به لرد کرزن نوشته در آن لرد جرج هاملتون (۲) می نویسد که دولت انگلستان در صورتیکه ناچار با اقدام خود آن خواهد بود که با روسها بيك قرارداد مناسب برسند. (۳)

مؤلف تاریخ زندگانی کرزن در اینجا می نویسد: « اگر روابط امیر با فرمانفرمای هندوستان قطع می گردید بین کرزن و کابینه لندن نیز تیره می شد اما هنوز سال تمام نشده امیر حبیب الله خان جواب کاغذ لرد کرزن را فرستاد و در آن تصریح شده بود که امیر روابط خود را با هندوستان طوری که بوده نگاه خواهد داشت و بادولت دیگر نیز اتحاد و دوستی نخواهد نمود و در ضمن همان مراسم قبول نموده بود در تقسیم آب هرمند در سیستان که بین ایران و افغانستان تولید اختلاف نموده بود دولت انگلستان حکمیت کند.

در این تاریخ کابینه لندن مسئله شرق وسطی را این طور تعبیر می نمود که مسئله شرق عبارت از مسئله آتیه ایران و افغانستان است. (۴)

در هر صورت کابینه لندن با نظر لرد کرزن که امیر تازه افغانستان را تحت فشار بگذارند موافقت نمود این مذاکره بطول انجامید و تا سال ۱۹۰۵ ادامه داشت

[1] If You Allow A Man and A State of his calibre to flout the British Empire , Then We Had Better put up our Shutters and Close Business . P . 267 .

[2] Lord George Hamilton .

(۳) صفحه ۳۶۸ - ۱۹ دسامبر ۱۹۰۲

[4] The Middle Eastern Question is the Question of the Future of Persia and Afghanistan P . 269 . 4 Th January 1903 .

بالاخره بيك قراردادى منتهى شده در واقع همان تقاضاهای امير افغانستان بود و این مأموریت را سرلویئز دین انجام داد و به کابل رفت و موضوع به يك شکلی حل شد. (۱)

فصل ۲۳ جلد دوم کتاب تاریخ زندگانی لرد کرزن موسوم به مسئله ایران است در ابتدای این فصل مؤلف گوید در فصل چهارم این کتاب اشاره شده که در سال ۱۸۹۹ لرد کرزن اقدامات نمود که دست سایر دول را از خلیج فارس کوتاه کند و حق نفوذ را در آن خلیج منحصر ب انگلیسها بداند مطالعات قبلی او او را مطمئن کرده بود بر اینکه مقامی که دولت انگلستان در این نواحی دارد و خوشبختانه از حیث نفوذ سیاسی و اقتصادی که بدست آورده است باید بلا معارض باشد و ایران نگاهداری شود و قتی که عدم موافقت را از حکومت مرکزی مشاهده می نمود پیش خود تعجب می کرد چگونه در کابینه لندن به منافع حقیقی انگلستان بی اعتنائی می شود.

بسیار می شد اظهار می کرد سیاست انگلستان نسبت بایران در تمام مدت قرن نوزدهم يك صفحه از تاریخ را تشکیل می دهد آنهم اینطور مضحك و خنده آور است گاهی، و گاهی هم اسباب یاس و ناامیدی. (۲)

سکوتی که کابینه لندن در این مورد داشت بیشتر او را زحمت می داد و گاهگاهی هم که جواب داده می شد او را بکلی مأیوس می کرد و مخصوصاً متوجه می شد که چهقدر کابینه لندن نسبت بيك چنین مسئله اساسی بی علاقه است.

در سال ۱۹۰۲ صحبت بود که شاه ایران بلندن خواهد رفت لرد کرزن در این

(۱) اختلاف بین کرزن و امیر حبیب الله خان تیره شد باز موضوع افغانستان بین لندن و هندوستان مطرح گردید با فشار لرد کرزن مبعیون دیگر با افغانستان بریاست سرلویئز دین Sir Louis Dane بکابل فرستاده شده بود از چهار ماه توقف در کابل يك قرارداد دیگر با امیر بسته شد ۱۴ محرم ۱۳۲۳ هجری مطابق ۲۱ مارس ۱۹۰۵ - نقل از کتاب موسوم با افغانستان بآلوف انگلوس ۵۵۵ صفحه ۴۵۵

Alghanislan By Angus Hamilton . 1906

موقع صدراعظم انگلستان لرد سالزبوری می نویسد: « این فرصت طلائی را نگذار  
از دست برو و با پادشاه ایران در مسائل اساسی سرخا صحبت کند، و در ضمن علاوه  
کرده گوید: « من باور نمی کنم پیشنهاد من عملی شود.»

مؤلف گوید در محافل سیاسی لندن صحبت بود و قتی که شاه بلندن مسافرت کند  
نشان زانوبند پشاه داده شود کرز با این نظر چندان موافقتی نداشت ایرادی که داشت  
این بود که نباید این نشان بیک نفر که مسیحی نیست داده شود.

بالاخره این تصمیم گرفته شد منتهی در لندن این نشان پشاه داده نشد بعد دتیال  
اوتوسط لرد دنون<sup>(۱)</sup> به طهران فرستاده شد و همانطور که لرد کرز می گفت برعکس  
نتیجه داد. (۲)

در این تاریخ لرد کرز بی اندازه از عدم تصمیم کابینه لندن متأسف بوده بقدری  
این مسئله او را معذب داشت که حاضر بود پیش آمدن روسها را در شمال ایران ببیند  
که عملی شده است باین امید شاید دولت انگلستان متأثر شود و اقدامی بکند بنا بر این  
در دهم اوت ۱۹۰۲ می نویسد: « من از این پیش آمدهای ایران هرگز وحشت نخواهم  
نمود با آن سرعتی که روسها شمال ایران را متصرف خواهند شد اسباب تعجب خواهد  
شد این خود بیک نوع مهمیزی خواهد بود که ما را محرك شود که در جنوب بیکوشته  
عملیات اقدام کنیم.»

باز در پنجم ماه مارس ۱۹۰۲ می نویسد: « من با اصول سدابندی قسمت به قسمت  
عقیده ندارم، سیستان را در دست داشته باشیم برای حفظ خلیج فارس.  
بعد روسها کرمان یا اصفهان را در دست بگیرند برای اینکه بخلیج برسند بعد

#### [1] Lord Down

این شخص که از اشراف انگلیسی بود حامل نشان زانوبند برای مظفرالدین  
شاه بود.

(۲) این داستان خیلی مفصل است و قتی که بدو در سلطنت مظفرالدین شاه مهربم از  
آن صحبت خواهم نمود در این تاریخ امین‌الطمان صدراعظم ایران بود سیاست مخمومی  
را تعقیب می نمود بالاخره خود او نیز در سر همان سیاست رفت.

دولت انگلیس دزفول را بگیرد برای حفظ شط العرب همانطوری که من تکرار کرده‌ام ، ما باید تمام جنوب را مسدود کنیم یا اینکه دست از بازی کشیده کنار برویم . (۱)

کرزن همیشه نظریات اولیه خود را تعقیب می نمود و آن عبارت از این بود از هر دولت صاحب نفوذی در خلیج فارس جلوگیری کند .

در کتابی که راجع بایران نوشته است در آن نیز در جلد دوم صفحه ۴۶۵ اشاره کرده است که « واگذاری یکی از بنادر خلیج فارس بدولت روس اشتباه بزرگی است این واگذاری از طرف هر دولتی که میخواهد باشد من آنرا يك توهین عمده فرض خواهم نمود که نسبت به برطانیای کبیر شده است و يك تحریکی است که از روی عمد و سوء قصد به عمل آمده می خواهد اوضاع عادی را برهم زده آتش جنگ را مشتعل کند .

من آن وزیر انگلستان را که باین امر رضایت داده است خائن مملکت خود خواهم دانست . »

مؤلف گوید این کافی نبود ، کرزن عقیده داشت نه تنها خلیج فارس بلکه ممالک اطراف آن نیز که تا سرحد هندوستان امتداد دارد باید از نفوذ خارجی که نظر سوء دارد ایمن بماند .

با این عقیده کرزن روس و ایران صریحاً عنوان می نمود هر تجاوزی که از طرف روسها بشمال ایران بشود بهمان اندازه نیز از طرف انگلیسها در جنوب اعمال خواهد شد .

جنوب ایران بهفیده کرزن عبارت از این بود که يك خطی از مغرب ایران به مشرق آن مملکت ترسیم می شود این خط از نقطه خانقین شروع شد از کرمانشاه - همدان - اصفهان - یزد - کرمان و اعرت آباد سیستان عبور نموده به سرحد افغانستان منتهی می شود .

مؤلف گوید کرزن اهمیت سیاسی سیستان را خوب درک نموده بود این ایالت